



انقلاب اسلامی برای ایران چه کرد؟ (۳)

جمهوری اسلامی و دگرگونی در توسعه‌ی انسانی ایران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
افزایش امید به زندگی
پرتال جامع علوم انسانی

دکتر حجت سلیمان‌داری^۱

اینجانب توصیه می‌کنم که قبل از مطالعه‌ی وضعیت کنونی جهان و مقایسه بین انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلابات و قبل از آشنایی با وضعیت کشورها و ملت‌هایی که در حال انقلاب و پس از انقلابشان بر آنان چه می‌گذشته است و قبل از توجه به گرفتاری‌های این کشور طاغوت زده از ناحیه‌ی رضاخان و بدتر از آن محمد رضا که در طول چپاولگری‌هایشان برای این دولت به ارث گذاشته‌اند، از وابستگی‌های عظیم خانمان‌سوز تا اوضاع وزارت‌خانه‌ها و ادارات و اقتصاد و ارتش و... و اوضاع تعلیم و تربیت و اوضاع دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها و... مقایسه با زمان سابق و رسیدگی به عملکرد دولت و جهاد سازندگی در روستاهای محروم از همه‌ی مواهب حتی آب آشامیدنی و درمانگاه و مقایسه با طول رژیم سابق با در نظر گرفتن گرفتاری به جنگ تحمیلی و پیامدهای آن از قبیل آوارگان میلیونی و خانواده‌های شهدا و آسیب دیدگان در جنگ و آوارگان میلیونی افغانستان و عراق و با نظر به حصر اقتصادی و توطئه‌های پی‌درپی امریکا و وابستگان خارج و داخلش... و دهها

◆ مقدمه

اگر پرسش از عملکرد انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی را پرسش از نحوه‌ی نگاه دین به حوزه‌ی عمومی و دگرگونی‌های اجتماعی تلقی کردیم و از این پرسش به عنوان یک پرسش بنیادی، انتظار داریم که فرآیند نوسازی یک جامعه‌ی دینی را مبتنی بر مفاهیم، تعاریف، روش‌ها و مبانی توسعه‌ی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نشان دهد، عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران در دو دهه‌ی گذشته پاسخ عملی به پرسش مذکور می‌باشد.

اما همان‌طوری که در بخش‌های پیشین نیز گفته شد،^۲ معیارهای ملموس این عملکرد هیچ‌گاه در سنجش بین موقعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران عصر انقلاب اسلامی، با معیارهای جهانی و یا تکیه بر درآمد سرانه که عمدتاً مبتنی بر مصرف بیشتر کالاها و خدمات می‌باشد، به معیارهای درستی نایل نخواهد آمد. برای رسیدن به یک معیار واقعی در شرایطی که کشور ما در آن قرار دارد بهترین ملاک، مقایسه‌ی عملکرد دو نظام انقلابی است. یکی نظام مشروطه‌ی سلطنتی که حدود هفتاد و خورده‌ای سال با تمام قدرت در ایران حکومت کرد و دیگری نظام جمهوری اسلامی که حدود دو دهه و نیم است که در حال حکومت در ایران می‌باشد. به عبارت دیگر بر اساس تذکرها‌ی پیشین برای شناخت عمق توانایی‌های جمهوری اسلامی، عملکرد بیست و پنج ساله‌ی این نظام را در مقابل تمام طول عمر هفتاد ساله‌ی نظام مشروطه‌ی سلطنتی قرار دادیم.

۱. وصیت‌نامه‌ی سیاسی - الهی امام خمینی(ره)، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: ۱۳۶۸، ص ۱۱ و

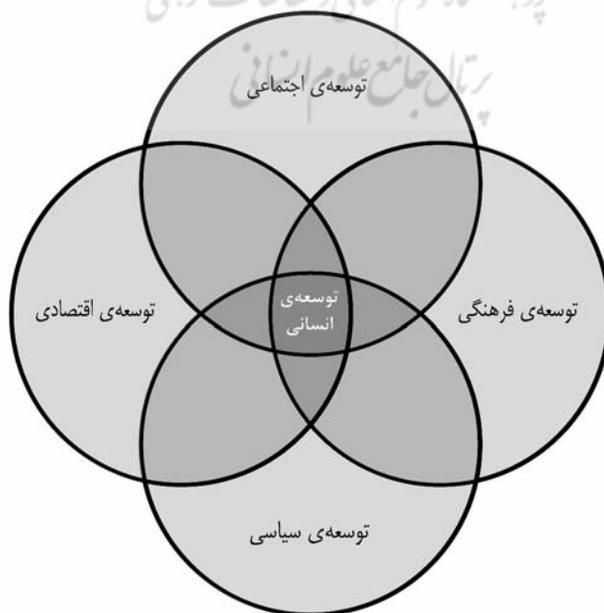
۱۲.

۲. حجت سلیمان‌داری، انقلاب اسلامی برای ایران چه کرد؟ فصلنامه‌ی پانزده خرداد، دوره‌ی سوم، سال اول،

شماره‌ی ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۸۳.

در بخشی از مباحث مورد نظر، دگرگونی نظام آموزشی و پژوهشی ایران را به شکل اجمالی نشان دادیم. در این قسمت به یکی از مهم‌ترین مباحث مربوط به حوزه‌ی توسعه، یعنی توسعه‌ی انسانی خواهیم پرداخت. در حقیقت رسیدن به مفهوم توسعه‌ی انسانی در پیش‌زمینه‌های بحث دگرگونی نظام آموزشی و پژوهشی ایران وجود داشت و شاید این بحث می‌بایستی مقدم بر آن بحث مطرح می‌شد و بحث دگرگونی‌های نظام آموزشی ایران به عنوان یکی از نمادهای توسعه‌ی انسانی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گرفت. با قبول این اشکال و به منظور رفع این نقیصه‌ی روش شناختی، مباحث مربوط به بررسی‌های عملکرد انقلاب اسلامی در ایران را در قالب عنوان کلی توسعه‌ی انسانی که اصل و محور اساسی در نسبت با توسعه‌ی اجتماعی، توسعه‌ی سیاسی، توسعه‌ی فرهنگی و توسعه‌ی اقتصادی است، دنبال خواهیم کرد.

اهمیت و جایگاه توسعه‌ی انسانی را در مباحث پیشرفت و توسعه می‌توان در اصلی‌ترین محورهای این بحث در نمودار زیر نشان داد:



نمودار مذکور نشان می‌دهد که در محور هم‌ی مباحث مربوط به توسعه، مفهوم توسعه‌ی انسانی قرار دارد. در حقیقت توسعه‌ی انسانی حاوی تصویر روشنی از وضعیت جامعه برای شاخص‌های اصلاحات اجتماعی و اقتصادی است.

نمودارهای توسعه‌ی انسانی حاوی پیام‌های پر قدرتی درباره‌ی مدیریت امور، سیاست‌های اقتصادی، مسائل جمعیتی، محیط زیست، آموزش و پژوهش، اوضاع زنان و کودکان، بهداشت، تغذیه و امنیت غذایی و ده‌ها مفهوم دیگر در زیر ساخت‌های توسعه و پیشرفت جامعه است. امروزه گزارش‌های توسعه‌ی انسانی در کشورها از جایگاه ویژه‌ای در سطح بین‌المللی برخوردار بوده و نفوذ زیادی در میان تصمیم‌گیرندگان، پژوهشگران، دانشگاهیان و حتی شهروندان پیدا کرده است.^۱

می‌گویند:

ایده‌ی توسعه‌ی انسانی با این پیش فرض اساسی ظهور کرد که درآمد، همه‌ی زندگی انسانی نیست. بنابراین پیشرفت انسانی را نمی‌توان تنها توسط درآمد سرانه اندازه‌گیری کرد.^۲

امروزه اهمیت شاخص‌های توسعه‌ی انسانی در برآورد میزان رشد و توسعه در کشورها، به قدری است که بسیاری از صاحب‌نظران دیدگاه‌های توسعه معتقدند که این شاخص از قدرت توضیحی بیشتری نسبت به تولید ناخالص ملی در بیان پیشرفت‌های انسانی در یک جامعه برخوردار است.

اولین گزارش ملی توسعه‌ی انسانی را کشور بنگلادش، در سال ۱۳۷۱ منتشر کرد و از آن

۱. قابل ذکر است که در تهیه‌ی این مقاله از دو منبع اصلی پیرامون توسعه‌ی انسانی استفاده شده است.

گزارش توسعه‌ی انسانی ۱۹۹۰، گزیده مسائل اقتصادی - اجتماعی، آذر ۱۳۶۹، ضمیمه‌ی شماره‌ی مسلسل ۱۰۵ و ۱۰۶، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی و اجتماعی و انتشارات. همچنین اولین گزارش ملی توسعه‌ی انسانی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۸)، سازمان برنامه و بودجه و سازمان ملل متحد، تهران: ۱۳۷۸، مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات.

۲. اولین گزارش ملی توسعه‌ی انسانی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۸)، ص ۱۷.

زمان تا کنون گزارش‌های زیادی پیرامون توسعه‌ی انسانی منتشر شده است. اولین گزارش توسعه‌ی انسانی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۸ با همکاری سازمان ملل متحد منتشر شد. پیش از این گزارش، در گزارش توسعه‌ی انسانی ۱۹۹۰ که نخستین گزارش جهانی است و توسط برنامه‌ی عمران ملل متحد (UNDP) منتشر شد، فرآیند توسعه‌ی انسانی حدود ۱۳۰ کشور جهان بر مبنای سه سطح توسعه‌ی انسانی پایین، توسعه‌ی انسانی متوسط و توسعه‌ی انسانی بالا ارائه شد. این گزارش بر مبنای مهم‌ترین شاخص‌های توسعه یعنی: نمایه توسعه‌ی انسانی، سیمای محرومیت انسانی، سیمای توسعه‌ی انسانی، روندهای توسعه‌ی انسانی، تشکیل سرمایه‌ی انسانی، فاصله‌های بین شمال و جنوب، هزینه‌های واقعی شمال و جنوب، فاصله‌های بین مناطق شهری و روستایی، فاصله‌های بین مردان و زنان، بقا و توسعه‌ی کودکان، سیمای بهداشت و درمان، امنیت غذایی، سیمای آموزش و پرورش، اشتغال، ثروت و فقر، ازدحام در مناطق شهری، عدم تعادل‌های آموزشی، عدم تعادل‌های مربوط به هزینه‌های نظامی، عدم تعادل‌های مربوط به جریان منابع، ترانزنامه‌ی جمعیتی، ترانزنامه‌ی منابع طبیعی و حساب‌های درآمد ملی و غیره تنظیم و ارائه گردید. بر مبنای این دو گزارش، یعنی گزارش ۱۹۹۰ برنامه‌ی عمران ملل متحد و اولین گزارش ملی توسعه‌ی انسانی جمهوری اسلامی ایران، امکان برآورد تحولات بنیادینی که در طول بیست سال حاکمیت جمهوری اسلامی در ایران اتفاق افتاد، فراهم می‌شود.

◆ مفهوم توسعه‌ی انسانی

توسعه‌ی انسانی را فرآیند بسط انتخاب‌های انسانی تعریف کرده‌اند. مقایسه‌ی این رویکرد با سه دیدگاه رفاه اقتصادی، نیازهای اساسی و توسعه‌ی منابع انسانی کمک بسزایی به درک بهتر توسعه‌ی انسانی می‌کند.

رویکرد رفاه اقتصادی، مصرف کالا و خدمات را اساس زندگی بهتر به شمار می‌آورد و از آنجایی که درآمد واقعی میزان مصرف افراد از کالاها و خدمات را تعیین می‌کند، شاخص رفاه

اقتصادی، درآمد واقعی است در حالی که رویکرد توسعه‌ی انسانی، مصرف کالاها و خدمات را یکی از عناصر زندگی بهتر می‌داند و بر آوردن نیازهای روحی و گسترش ظرفیت‌های ذهنی را عنصر دیگر زندگی بهتر به شمار می‌آورد که از طریق پرورش قوای ذهنی به ویژه با آموزش حاصل می‌شود. لذا نمایانگر پیشرفت تحصیلی در کنار درآمد سرانه در اندازه‌گیری توسعه‌ی انسانی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

رویکرد نیازهای اساسی اگر چه تأمین حداقل نیازهای مادی و غیرمادی را هدف قرار می‌دهد اما این هدف را از طریق در اختیار قراردادن مجموعه‌ای از کالاها و خدمات تعقیب می‌کند و لذا از یک سو به دلیل عدم توجه به پرورش ظرفیت‌های ذهنی و مادی و از سوی دیگر به واسطه‌ی تأکید بر حداقل‌ها به جای تأکید بر زندگی بهتر، رویکرد توسعه‌ی انسانی تفاوت می‌یابد.

رویکرد توسعه‌ی منابع انسانی که غالباً با توسعه‌ی انسانی اشتباه گرفته می‌شود، اگر چه بر خلاف رویکردهای رفاه اقتصادی و نیازهای اساسی به ایجاد ظرفیت‌ها و پرورش توانمندی‌ها توجه دارد، هدف آن بر

اگر پرسش از عملکرد انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی را پرسش از نحوه‌ی نگاه دین به حوزه‌ی عمومی و دگرگونی‌های اجتماعی تلقی کردیم و از این پرسش به عنوان یک پرسش بنیادی، انتظار داریم که فرآیند نوسازی یک جامعه‌ی دینی را مبتنی بر مفاهیم، تعاریف، روش‌ها و مبانی توسعه‌ی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نشان دهد، عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران در دو دهه‌ی گذشته پاسخ عملی به پرسش مذکور می‌باشد.

خلاف رویکرد توسعه‌ی انسانی، دستیابی به زندگی بهتر نیست بلکه هدف آن رشد بهره‌وری فیزیکی افراد برای دستیابی به رشد اقتصادی است. توسعه‌ی انسانی اگر چه بر رشد ظرفیت‌های مادی در کنار پرورش استعدادهای ذهنی تأکید می‌ورزد اما رشد اقتصادی را خود به عنوان ابزاری در خدمت زندگی بهتر انسان به شمار می‌آورد.

بنابراین تأکید بر مفهوم بسط انتخاب‌های انسانی، رویکردی کل‌نگر به زندگی بهتر است که از یک سو به ایجاد ظرفیت‌ها به جای تأکید بر مصرف کالاها و خدمات تأکید دارد و پایداری توسعه‌ی انسانی را تضمین می‌کند و از سوی دیگر بر پرورش استعداد‌های ذهنی در کنار رشد ظرفیت‌های مادی تأکید می‌ورزد و سرانجام با هدف قرار دادن زندگی بهتر، افق پویایی را فراروی انتخاب‌های انسانی قرار می‌دهد.

بنابراین عناصر ضروری در رویکرد توسعه‌ی انسانی عبارتند از:

۱. برابری، در قالب دسترسی برابر به فرصت‌ها
 ۲. پایداری، در شکل مسئولیت نسبت به نسل‌های آینده که بایستی سهم مشابهی با نسل حاضر از توسعه داشته باشند.
 ۳. بهره‌وری، در قالب سرمایه‌گذاری در منابع انسانی و ایجاد فضای قابلیت‌زایی که افراد را قادر به حداکثر بهره‌برداری از ظرفیت‌هایشان می‌سازد.
 ۴. توانمندسازی، بدین معنی که مردم باید به سطحی از توسعه‌ی فردی دست یابند که به آنها امکان انتخاب بر اساس خواست‌های خود را بدهد.^۱
- الف. کسب دانش

ب. دسترسی به امکانات مادی لازم برای یک زندگی بهتر

ج. برخورداری از عمر طولانی توأم با سلامتی

در مفهوم کسب دانش، نرخ با سواد بزرگسالان بر اساس دو سوم ارزش کلی، نرخ ترکیبی ثبت نام در مقاطع مختلف تحصیلی بر اساس یک سوم ارزش کلی و در دسترسی به امکانات مادی، قدرت خرید واقعی افراد و در ظرفیت سوم از امید به زندگی در بدو تولد استفاده می‌کنند. مقدار شاخص مذکور بین یک حداقل (صفر) و یک حداکثر (یک) قرار می‌گیرد.

کشورهای دارای شاخص توسعه‌ی انسانی پایین‌تر از ۰.۵۰۰٪ به عنوان کشورهای با توسعه‌ی انسانی پایین و کشورهای واقع در فاصله‌ی ۰.۵۰۰٪ و ۰.۷۹۹٪ کشورهای با توسعه‌ی انسانی متوسط و کشورهای با شاخص ۰.۸۰۰٪ تا یک به عنوان کشورهای با توسعه‌ی انسانی بالا محسوب می‌شوند.^۱

◆ سیمای توسعه‌ی انسانی ایران در دوره‌ی پهلوی

آنهایی که آگاهی از اوضاع برنامه‌ریزی توسعه‌ی ایران دارند، می‌دانند که اولین برنامه‌ی توسعه برای مدت هفت سال از ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۴ شمسی تدوین شد. این برنامه با برخورد به جنبش ملی نفت از یک طرف و ضعف ساختاری برنامه و عدم توجه به نقش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در محاسبات و تأکید کل برنامه بر دریافت وام بانک جهانی با شکست مواجه شد. مشخص نبودن اهداف مقداری برنامه و فقدان داده‌های آماری قابل اعتماد برای برنامه‌ریزان و استفاده از شیوه‌ی آزمون و خطا در تعیین تخصیص‌های مربوط به هر بخش و از همه مهم‌تر، جایگزینی قضاوت‌های ذهنی برنامه‌ریزان به جای اطلاعات علمی و آمارهای واقعی، مشکلات دیگر برنامه‌ی اول رژیم مشروطه‌ی سلطنتی برای حل معضلات ساختاری ایران بود.^۲

شاید آغاز مصائب ایران در دوره‌ی حاکمیت پهلوی دوم را باید در همین برنامه جستجو کرد. رژیم شاه برای دریافت وام از بانک جهانی که به تازگی تأسیس شده بود، در حقیقت بنیادهای این برنامه را پی‌ریزی کرد. بانک جهانی در قبال تقاضای دولت ایران ادعا کرد که فقط تقاضاهایی را مورد بررسی قرار می‌دهد که مربوط به پروژه‌های مشخص باشد و عملی بودن آنها با مطالعات فنی به ثبوت برسد. رژیم شاه برای جلب بانک جهانی از یک شرکت

۱. همان، ص ۳۵.

۲. برای اطلاع بیشتر رک: راهبردهای کلان رشد اقتصادی ایران، ابوالقاسم مهدوی، شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته به مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران: ۱۳۸۰.

مهندسی امریکایی برای استقرار در وزارت مالیه استفاده می‌کند و از او می‌خواهد تا پروژه‌هایی را پیشنهاد کند که از سوی بانک جهانی برای پرداخت وام مورد بررسی قرار گیرد. بر همین اساس برنامه‌ی اول توسعه با هزینه‌های سرمایه‌گذاری بخش دولتی برای کل دوره‌ی برنامه بالغ بر ۲۱ میلیارد ریال (معادل ۶۵۶ میلیون دلار با نرخ برابری ۳۲ ریال)، تعیین شد. اما همان‌طوری که گفته شد جنبش ملی نفت و فقدان مدیریت ماهر در سازمان برنامه و عدم برنامه‌ریزی تمامی مراحل ارزیابی پروژه‌ها و قسمت بزرگی از کار ارائه‌ی پروژه‌ها توسط مشاوران خارجی مرتبط با سازمان برنامه که هیچ شناختی از اوضاع ایران نداشتند،^۱ منجر به شکست این برنامه شد.

اوضاع برنامه‌ی دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم رژیم پهلوی نتایجی بیش از آنچه که تصور می‌شد یا تبلیغ می‌گردید برای ایران به ارمغان نیاورد. به طوری که از دیدگاه پاره‌ای از اقتصاددانان امریکایی که عموماً مشاور رژیم پهلوی در این برنامه‌ریزی‌ها بودند، اجرای این برنامه‌ها برای ایران یک فاجعه تلقی می‌شد.^۲

پنجمین برنامه‌ی توسعه از ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ آغاز و با اهدافی چون افزایش استاندارد زندگی و درآمد‌ها، نیل به رشد متعادل اقتصادی با حداقل تورم، تقویت خدمات اجتماعی و گسترش عدالت اجتماعی، حفاظت از محیط زیست، توزیع عادلانه‌تر منابع انسانی، گسترش علم، دانش و

۱. همان، ص ۷ و ۶.

۲. به طور کلی در دوران حکومت محمد رضا پهلوی شش برنامه‌ی توسعه تدوین، تصویب و به مورد اجرا گذاشته شد:

الف: برنامه‌ی اول از ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۴ (به مدت هفت سال)

ب: برنامه‌ی دوم از ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۱ (به مدت هفت سال)

پ: برنامه‌ی سوم از ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۶ (به مدت پنج سال)

ت: برنامه‌ی چهارم از ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ (به مدت پنج سال)

ث: برنامه‌ی پنجم از ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ (به مدت پنج سال)

ج: برنامه‌ی ششم از ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۱ (نا تمام به دلیل پیروزی انقلاب اسلامی)

تکنولوژی، افزایش تولید داخلی و واردات صنعتی، سرمایه‌گذاری مازاد پول خارجی (ارز) در خارج از کشور به منظور ایجاد منابع جدید ثروت جهت دوران بعد از نفت و حفاظت و ارتقای فرهنگ و میراث ملی تا سال ۱۳۵۵ ادامه پیدا کرد.^۱

افزایش باور نکردنی درآمدهای نفتی، مستلزم تجدید نظر در تمامی اهداف بخشی و افزایش هزینه‌های مربوط به دفاع، توسعه اقتصادی و غیره بود. اما افزایش درآمدهای نفتی به جای اینکه به کام ملت ایران و رسیدن به اهداف مذکور شود، منجر به افزایش جنون شاه نسبت به قدرت نظامی و پذیرش ژاندارمی منطقه و لشکرکشی به همسایگان و از همه بدتر انتقال درآمد نفتی به خارج از کشور به بهانه‌ی سرمایه‌گذاری در خارج به علت پایین بودن بهره‌وری و ظرفیت زیر بنایی کشور شد.

به عبارت دیگر، افزایش درآمد نفت به نام ملت ایران و به کام الیگارشی مالی خاندان پهلوی و وابستگان به آن شد و به این بهانه بخش اعظمی از درآمدهای هنگفت نفت در سال‌های ۵۰ به خارج از ایران منتقل و جزء سرمایه‌های خصوصی خاندان پهلوی محسوب شد.

وقتی شاه در معرض درآمد کلان نفتی

قرار گرفت، کنترل خود را از دست داد و عملاً برنامه‌ی پنجم را بلا تکلیف رها و به شکل عجولانه‌ای مشغول تهیه‌ی برنامه‌ی ششم توسعه برای چاره‌جویی این درآمد کلان شد. شاه برای حل فجایع برنامه‌ی پنجم اعلام کرد که چنین تصمیم گرفته شد که استفاده کنندگان از وجوه، اعم از بیرون یا درون دولت، باید تحت برنامه‌ریزی عمل کنند. شاه که چشم‌اندازهای

از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۷ رژیم
مشروطه‌ی سلطنتی پهلوی جمعاً
۱۶۴۱ فقره شرکت ایرانی را با
سهامداران خصوصی خارجی بر
ملت ایران تحمیل کرد.

درآمد نفتی سال‌های ۵۰ را دید، نگران مسائل آتی رژیم گردید و احساس کرد که چشم‌اندازهای پنج ساله، پاره‌ای از تحولات بسیار سریع جهان را پاسخگو نیست. لذا عملاً اعلام کرد که ایران از این پس بر اساس برنامه‌های پنج ساله‌ی توسعه، عمل نخواهد کرد و به دنبال تجویز برنامه‌های مبتنی بر راهبردهای ۱۰ و ۲۵ ساله است. اما انقلاب اسلامی رویاهای دراز مدت رژیم مشروطه‌ی سلطنتی را برای ائتلاف منابع ملت ایران از هم پاشید. شاه دقیقاً اسیر همان سیاست‌هایی شد که تصور می‌کرد می‌تواند با تکیه بر آن پایه‌های رژیم خود را مستحکم کند. وابستگی مطلق به غرب، افزایش روند دخالت‌های سیاسی در تصمیمات اقتصادی، توسعه‌ی نامتعادل و فاقد برنامه، تخریب سریع‌السير فرهنگ ملی، روند پر شتاب صنعتی شدن مونتازای و نابودی کشاورزی ایران و گسیل داشتن روستاییان به حاشیه‌های شهر و ترویج حاشیه‌نشینی، افزایش نظامی‌گری جنون‌آمیز و ده‌ها سیاست دیگر، شرایطی برای ایران فراهم کرد که در سال فروپاشی رژیم پهلوی، بر اساس آمارهای موجود هیچ چشم‌انداز مثبتی برای توسعه‌ی انسانی در ایران وجود نداشت.

به عبارت دیگر رژیم مشروطه‌ی سلطنتی پهلوی برنامه‌ی مدون و مشخصی برای توسعه‌ی انسانی کشور بر اساس معیارهای جهانی و استعدادهای داخلی نداشت.

از کودتای امریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (۱۹۵۳م) ساختار اقتصادی ایران همچنان به شکل نیمه مستعمراتی و بر مبنای صدور نفت و واردات مایحتاج ایران از کشورهای اروپایی و امریکا قرار داشت. سهم عمده‌ی درآمدهای ایران در این دوران نصیب امریکا، انگلستان و سایر کشورهای اروپایی شد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد و سقوط دولت مصدق، زمینه‌ی جذب و گسترش سرمایه‌های شرکت‌های چند ملیتی فراهم شد. مهم‌ترین کار رژیم کودتا، بستن قرارداد نفتی با کنسرسیوم متشکل از شرکت‌های انگلیسی، امریکایی، هلندی و فرانسوی بود که به شکل مشترک و هماهنگ نفت ایران را بهره‌برداری می‌کردند. قرارداد کنسرسیوم بر مبنای پنجاه، پنجاه به مدت ۲۵ سال (از ۱۹۵۳ تا ۱۹۷۹) بهره‌برداری از کلیه‌ی منابع نفتی را در اختیار بیگانگان قرار داد و عملاً زحمات مردم ایران را در جنبش ملی نفت به باد داد. سهام

کنسرسیوم ۴۰٪ به شرکت‌های امریکایی و ۵۰٪ به شرکت انگلیسی و بقیه میان کشورهای دیگر تقسیم شد.^۱

در سال ۱۳۳۸ بانک توسعه‌ی صنعت و معدن، با سرمایه‌ای معادل ۴۰۰ میلیون دلار و با شرکت ۳۲ بانک بین‌المللی تشکیل شد. دولت ایران مبلغ ۶۰۰ میلیون ریال اعتبار بی‌بهره به مدت ۳۰ سال و بانک ملی ۱/۴ میلیارد ریال اعتبار صنعتی در اختیار این بانک گذاشت. مهم‌ترین شرکای خارجی این بانک چیس مانهاتان بانک امریکا و سایر بانک‌های بزرگ کشورهای اروپایی مثل بهیتی بانک، کانتی شل اینترنشنال، فایناس کورپوریشن، دوپچه بانک و شرکت سال اوپن هایم آلمان غربی، الکن بانک ندرلند آمستردام و رتردام بانک هلند، بریتیش بانک اف‌میدل‌ایست، سالیورکارولیمیتد، میدلند بانک لیمیتد، کوشن‌تراست لیمیتد، باکلر بانک اینترنشنال لیمیتد انگلستان، بانک اف توکیو، ایند استربال بانک اف ژاپن، سانوا بانک و سومیتو بو بانک ژاپن، مویر بانک ایتالیا، سوسیته ژنرال پاریس و سایر بانک‌هایی بودند که در عرض فعالیت‌های خود در ایران با سرمایه‌گذاری‌های انحصاری، میلیون‌ها دلار از سرمایه‌های ملی را به عنوان سود نصیب خود کردند.

بانک توسعه‌ی صنعت و معدن تا پایان شهریور ۱۳۵۷ مبلغ ۲۵/۴ میلیارد ریال در ۵۵ طرح صنعتی و معدنی، حمل و نقل و کشت و صنعت سرمایه‌گذاری کرد. جهت‌گیری‌های این بانک و شرکای خارجی آن صرفاً در ایجاد صنایع جنبی، خدماتی و صنایع مونتاژ بود. اساس سرمایه‌گذاری خارجی در ایران دوره‌ی پهلوی اصولاً سیاستی جز تأمین منابع مالی جهت سرمایه‌گذاری در صنایع مونتاژ و خدمات وابسته به آن نبود. بانک توسعه‌ی صنعت و معدن در تمام سرمایه‌گذاری‌هایش، همواره یک طرف قرارداد خارجی داشت و ناچار بود از سیاست‌های کلی طرف خارجی که حاکم بر صنایع بود، پیروی کند.^۲

۱. علی‌رضا ثقفی خراسانی، سیر تحولات استعمار در ایران، نشر نیکا، مشهد: ۱۳۷۵. ص ۲۲۵ به بعد.

۲. همان، ص ۲۲۸.

بنابراین همان‌طوری که مشاهده کردیم، جریان اولیه‌ی سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران که در دوره‌ی قاجاریه با اخذ امتیاز از حکام توسط دول یا افراد خارجی در قالب قراردادهای استعماری مثل دارسی، رویتر، شیلات شمال، امتیاز تنباکو و غیره به شکل ساده‌ی اخذ قرارداد و امتیاز مستقیم عمل می‌کرد، در دوره‌ی پهلوی به اشکال پیچیده درآمد و از سال ۱۳۱۱ یعنی دوره‌های اول آغاز سلطنت پهلوی تا سال ۱۳۵۷، فرآیندی را در سرمایه‌گذاری خارجی در کشور دنبال کرد که اثرات آن جز نابودی ذخایر ملی، خروج سرمایه، شخصی شدن سرمایه، فقر بنیه‌های اقتصادی کشور و نابودی منابع انسانی نبود. از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۷ رژیم مشروطه‌ی سلطنتی پهلوی جمعا ۱۶۴۱ فقره شرکت ایرانی را با سهام داران خصوصی خارجی بر ملت ایران تحمیل کرد. بالاترین رقم شرکت‌های به ثبت رسیده با سهام داران خارجی در سال ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ به ترتیب ۴۹۸ و ۳۳۸ شرکت بود. نمودار زیر سهم و مبلغ توزیع سرمایه‌گذاری خارجی در ایران را در بنیادهای اقتصاد کشور از سال ۱۳۴۰ ش تا سال ۱۳۵۵ ش (۱۹۶۲م) تا سال ۱۳۵۵ ش (۱۹۷۷م) نشان می‌دهد:

توزیع سرمایه‌گذاری خارجی در ایران از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۵ (ارقام به میلیون دلار- درصد)^۱

۱۳۵۵ - ۱۳۶۰		۱۳۴۸ - ۱۳۵۵		۱۳۴۰ - ۱۳۴۷		بخش
سهم	مبلغ	سهم	مبلغ	سهم	مبلغ	
۲۹/۶	۹۶۳	۶/۴	۱۵۳	۹۲/۸	۸۱۰	نفت
۷۰/۴	۹۲۹۵	۹۳/۶	۲۲۳۳	۷/۲	۶۲	سایر
۱۰۰	۳۲۵۸	۱۰۰	۲۳۸۶	۱۰۰	۸۷۲	کل اقتصاد

مجموع شرکت‌های چند ملیتی و انحصار، هماهنگ با هم و برادروار در کنار یکدیگر به غارت منابع کشور ما می‌پرداختند و به جای آن یک مشت آهن پاره‌های بی‌ارزش تحت عنوان صنایع مونتاز، تحویل ملت ایران می‌دادند. در حقیقت میراث‌خواران نظام مشروطه به توصیه‌ی اسلاف

۱. منبع: IMF, Balanced of Payment Year Book, Vol :18, 21, 22 and 29, 1978

به نقل از محمد مهدی بهکیش، اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، نشر نی، چاپ دوم، تهران: ۱۳۸۱. ص ۳۱۴.

خود که مدعی بودند ایرانی حتی توانایی ساختن آفتابه را نیز ندارد، در دوران پهلوی به طور مطلق سرنوشت ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایران را تحویل بیگانگان دادند. کلیه پروژه‌های صنعتی در طول هفتاد سال حاکمیت رژیم مشروطه‌ی سلطنتی پهلوی از ابتدا تا به مرحله‌ی تولید، توسط شرکت‌های خارجی انجام شد. در لیست پیمانکاران این شرکت‌ها حتی نام یک پیمانکار ایرانی وجود ندارد. از عملیات ساختمان تا دستگاه تصفیه‌ی آب و حتی در ساده‌ترین کارهای کاردانی به دست شرکت‌های امریکایی، آلمانی، فرانسوی، و غیره انجام می‌شد.

کلیه‌ی متخصصان ردیف اول این طرح‌ها، کارشناسان خارجی بودند. حتی یک آموزشکده و تربیت نیروی انسانی متخصص برای گرداندن این صنایع در نظر گرفته نشد. کارورزان اولیه را نیز برای تعلیم به خارج از کشور می‌فرستادند و علاوه بر گرفتن هزینه‌های این تعلیم، تلاش می‌کردند کمترین زمینه‌های آموزش در کشور را از بین ببرند. جالب‌تر از همه اینکه کالاهای تولیدی این کارخانه‌ها با ابعاد مختلف، قابل مصرف در هیچ یک از صنایع ایران نبودند و باید این قطعات به خارج فرستاده می‌شد تا از این طریق سودهای کلانی نصیب سهام داران خارجی این شرکت‌ها می‌شد و از آن طرف سهم ناچیز ایران نیز صرف واردات قطعات مورد نیاز صنایع مونتاژ در داخل می‌گردید. منابع معدنی ایرانی مثل سنگ آهن و غیره با نیروی کار ارزان و خدمات رایگان دولتی از جیب مردم ایران بدون تأثیر در تربیت نیروی انسانی و توسعه‌ی انسانی و نیروی کار کارآمد به خارج منتقل می‌شد. تسلط این شرکت‌ها بر مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی کشور باعث گردید که هیچ پیوندی بین صنایع داخلی و منابع معدنی ایران به وجود نیاید.

به عنوان نمونه شرکت آلومینیوم سازی ایران در سال ۱۳۵۰ با حق لیسانس انحصاری شرکت رینولدز امریکا که یکی از شرکت‌های بزرگ انحصار آلومینیوم جهان است، با ظرفیت پیش‌بینی شده‌ی ۴۵ هزار تن در سال تأسیس شد. در برنامه‌ی شرکت گفته شد که ۷۵٪ تولید آن به خارج صادر می‌شود در حالی که ایران خود یکی از واردکنندگان آلومینیوم بود. در سال

۱۳۵۶ حدود ۲۸ تن آلومینیوم به کشور وارد شد، در حالی که کارخانه‌ی آلومینیوم سازی ایران همه ساله ۵ تا ۷٪ حق لیسانس به انحصار امریکایی رینولدز می‌داد. این مبلغ صرف نظر از سود و زیان کارخانه به عنوان حق ثابت این شرکت امریکایی بود. مدیریت شرکت با طرف امریکا و پس از ۱۲ سال از ایجاد مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای سرپاز زد. در حالی که طبق قرار داد موظف به آموزش بود. همه‌ی قراردادهای مواد اولیه‌ی مورد نیاز برای آلومینیوم در انحصار بزرگ خارجی به وسیله‌ی قراردادهای بلند مدت خریداری می‌شد. آلومینیا به مقدار ۹۰ هزار تن در سال از انحصار امریکایی «آلکوا»، کک نفتی به مقدار ۲۲ هزار تن در سال از انحصار امریکایی کریت لیکز و قیر مخصوص به مقدار ۵/۵ هزار تن از کمپانی استرالیایی کاپرز؛ کلیه‌ی این مواد را کمپانی‌های حمل و نقل نروژی «لک هندلینگ» به ایران حمل می‌کرد.^۱

انصافا آیا مکانیزم غارت سرمایه‌های ملی در طول دوران رژیم پهلوی و مصیبتی که بر اساس سیاست‌های این رژیم بر اقتصاد توسعه و رشد توسعه‌ی انسانی و منابع انسانی وارد آمد نیاز به آمارهای بیشتری دارد؟ آیا ساده‌لوحانه و عوام‌فریبانه نیست که پاره‌ای از رویه‌کاری‌های اقتصادی نشانه‌ای از تجدید، دولت مدرن و پیشرفت معرفی شود؟

این همه استعداد نابود شده، منابع ملی و نیروی انسانی از بین رفته در طول حاکمیت رژیم مشروطه‌ی سلطنتی که پنجاه سال آن در ید قدرت مطلق رژیم پهلوی و روشنفکران وابسته به آن بود، آیا می‌توان نادیده گرفت؟

برای محاسبه‌ی تصاعدی عقب ننگه داشته شدن ایران در طول این پنجاه سال باید سرعت پیشرفت تصاعدی دنیا را نیز مورد محاسبه قرار داد تا متوجه شد که چگونه رژیم پهلوی در طول این پنجاه سال فاصله‌ی کشور مستعد ایران را با جهان به چندین برابر رسانده است!

رژیم پهلوی، با همکاری کشورهای استعماری در طول حاکمیت خود نه تنها ایران را یک کشور عقب مانده نگه داشت، بلکه با غارت مشترک منابع و درآمدهای نفتی و سرمایه‌گذاری

مشترک در صنایع بی‌مصرف مونتاژی از سهم درآمدهای نفتی، زیربنای اقتصادی ایران را نابود کرد و همان کارخانه‌های مونتاژ وارداتی را چندین بار به مردم مظلوم ایران فروخته و سرمایه را از کشور خارج کردند و باز مجدداً برای تأسیس همان کارخانه از ملت ایران بهای آن را گرفتند. محاسبه‌ی فروش محصولات و ارزش افزوده‌ی این صنایع نسبت به قیمت‌های اولیه نشان می‌دهد که چه سرمایه‌ی سرسام‌آوری را از کشور خارج کردند. سرمایه‌هایی که اکنون خاندان پهلوی و الیگارش‌ی وابسته به آنها علی‌رغم سقوط بیست و اندی ساله، با آن تجارت، زندگی و توطئه می‌کنند.

مکانیزم غارت منابع ملی از چند طریق در کشور ما عمل می‌کرد: مکانیزم وام‌های پرداختی، مکانیزم ارزش فروش محصولات لوکس و یک‌بار مصرف، مکانیزم فروش ماشین آلات صنعتی، مکانیزم دریافت حق لیسانس و سرمایه‌گذاری‌های مشترک و مکانیزم مشارکت در سیستم بانکی و ده‌ها روش دیگر که در رأس همه‌ی آنها مشارکت یک یا چند نفر از خاندان سلطنتی و الیگارش‌ی وابسته با آن، با یک یا چند شرکت خارجی غیر قابل تردید است.

جدول زیر، مکانیزم نسبت شرکت‌های داخلی که در رأس اغلب آنها خاندان سلطنتی و

الیگارش‌ی وابسته به آن قرار داشتند را با شرکت‌های خارجی تا حدودی نشان می‌دهد:^۱

نام شرکت	ملیت شرکت خارجی طرف قرارداد شرکت‌های تحت تسلط شرکت‌های چند ملیتی ^۲
۱. تولید و بسته‌بندی گوشت زیاران	امریکایی
۲. گلوکزان	امریکایی
۳. قند کرمانشاه	آلمان غربی
۴. استیران	استرالیایی
۵. الیاف	آلمان، امریکا
۶. ایران کنف	امریکایی
۷. سنتاب	سوئدی
۸. صنایع و کاغذ و محصولات کاغذی	امریکایی
۹. حریر پارس	انگلیسی
۱۰. پارس چک	سوئدی

۱. همان، ص ۲۲۹ و ۲۳۰.

۲. جالب است که بانک توسعه و معدن در تمام سرمایه‌گذاری‌های همواره یک طرف قرارداد خارجی دارد و این بانک نیز از سیاست کلی ضرورت طرف خارجی که حاکم بر صنایع است، پیروی می‌کند.

ایتالیایی	۱۱. چرم مغان
ایتالیایی	۱۲. لاستیک پارس
امریکایی	۱۳. ولکا ایران (شیمیایی)
امریکایی	۱۴. کاربن ایران
امریکایی	۱۵. مجتمع تولید سم ایران
ژاپنی	۱۶. شیشه‌ی فزوین
بلژیکی	۱۷. آبیگنه
آلمان غربی	۱۸. استخراج مواد اولیه‌ی شیشه
ژاپنی	۱۹. سرامیک البرز
ژاپنی	۲۰. چینی سازی پارس
آلمان غربی	۲۱. کارخانه نورد شهریار
فرانسوی	۲۲. فولاد مخصوص ایران
ایتالیایی	۲۳. آلو پارس، آلو میران
فرانسوی	۲۴. داکتیران
انگلیسی	۲۵. درمن دیزل
آلمان غربی	۲۶. تولید موتورهای دیزل
انگلیسی	۲۷. لیلاند دیزل
انگلیسی	۲۸. لوکاس تندر
آلمان غربی	۲۹. بیستون ایران
آلمان غربی	۳۰. لوازم اتومبیل
سوئدی	۳۱. بلبرینگ ایران
فرانسوی	۳۲. شرکت صنعتی آفر
سوئسی	۳۳. آسانسور سازی شیندلر
انگلیسی	۳۴. آکروساز ایران
امریکایی	۳۵. مسیران
انگلیسی	۳۶. جوش اکسیژن
آلمان غربی	۳۷. تولید شاسی و بدنه‌ی اتومبیل
آلمان غربی	۳۸. صنایع ماشین آلات و وسایل الکتریکی
آلمان غربی	۳۹. کنتور سازی ایران
امریکایی	۴۰. کمپرسورسازی ایران
هلندی	۴۱. ترانسپیک
آلمان غربی	۴۲. کارخانجات مخابراتی ایران
ژاپن	۴۳. صنایع الکترونیکی ایران
آلمان - هلند	۴۴. لامپ ایران
ژاپنی	۴۵. لامپ پارس توشیبا
امریکایی	۴۶. سیکاپ (کابل)
ژاپنی	۴۷. صنعتی پارس توشیبا
فرانسوی	۴۸. صنایع الکتریکی البرز
فرانسوی	۴۹. صنایع وسایل نقلیه
ژاپنی	۵۰. تولیدی تیزرو هوندا
آلمان	۵۱. خدمات بازرگانی و صنعتی
انگلیسی	۵۲. ابرانوریدینگ اندبیتس
ایتالیایی	۵۳. بین الملل مهندسی ایران
ژاپنی	۵۴. جهانگردی ایران و ژاپن
فرانسوی	۵۵. هتل سازی ایران و فرانسه
امریکایی	۵۶. ایرانواپنتر دریل

در کنار اینها، شرکت‌های زیر نیز با مشارکت بانک توسعه‌ی صنعت و معدن تشکیل یافته و

مشغول فعالیت شدند:

۱. شرکت تهیه و توزیع شیر ایران با ۱۱ شرکت جنبی در شهرستان‌ها
۲. کشت و صنعت کارون
۳. کشت و صنعت شمال
۴. شرکت سهامی دشت مرغاب
۵. صنایع نساجی «پوشاک وطن» (اصفهان)
۶. شرکت خاص ایران «پوپلین» (تولید نخ و...)
۷. «پلی اکریل» ایران (۴۹٪ سهام امریکایی است)
۸. کارتن سازی پارس
۹. پولادسازی شهریار، لوله‌سازی شهریار، مفتول‌سازی شهریار، (گروه صنایع علی رضایی با مشارکت آلمان غربی)
۱۰. کشتیرانی ملی آریا
۱۱. میادین میوه و تره‌بار

و ده‌ها مؤسسه‌ی کلیدی و تولیدی دیگر که به طور عمده با مشارکت سرمایه‌های خارجی و با طرف قرارداد خارجی و یا حق ليسانس خارجی تشکیل شدند.^۱

خاندان سلطنتی در کنار سهمی که از این سرمایه‌های هنگفت ملت ایران به خود اختصاص داده بودند، طبق گفته‌ی شاه در جمله‌ی لایف امریکایی در سال ۱۹۶۳ تا آن زمان به طور کلی دو هزار پارچه آبادی از پدرش به ارث برده بود. آبادی‌هایی که به زور قدرت استبداد تصرف کرده بود. شاه در این اظهارات مدعی شد که از این تعداد ۱۰۹۲ آبادی را به فرزند دو ساله‌اش ولیعهد بخشیده است.

این سرمایه‌ی هنگفت که بخش کوچکی از آن سرمایه‌های کلان بود، از کجا در تصرف خاندان سلطنتی در آمده بود؟

توسعه‌ای که شاه برای ایران در نظر گرفته بود، بیش از آنکه حامل مفهوم سعادت اقتصادی اجتماعی و فرهنگی برای مردم ایران باشد، فقط معطوف به تغییر شکل ظاهری جامعه بدون توجه به زیرساخت‌ها و ارزش‌ها و فرهنگ جامعه بود. انقلاب اسلامی بی‌تردید منعکس‌کننده‌ی شکست مدل دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران به اشکال متفاوت

۱. علی‌رضا ثقفی خراسانی، همان، ص ۲۳۱.

غربی بود. مدلی که جز تسلط خارجی‌ها بر ساختار اجتماعی ایران، خروج ثروت ملی توسط شرکت‌های چند ملیتی و خاندان سلطنتی و وابستگان آنها، بی‌توجهی به تمایلات مردم و نابودی فرهنگ ملی، چیزی به همراه نیاورد. هزینه‌های برنامه‌ی نوسازی رژیم پهلوی و رشد طبقات ممتاز را اکثراً از جیب ملت ایران برداشت کردند و به قول نیکی کدی،

در این زیاده‌ستانی غرب هم مشارکت داشت، زیرا هر روز مقدار بیشتر کالای ایرانی جهت پرداخت هزینه‌ی محصولات صنعتی غرب لازم بود. هزینه‌های جدیدی که به علت برنامه‌ی نوسازی رضا شاه ایجاد گردید، در زمان شروع جنگ جهانی دوم وضع اقتصادی ایرانیان متوسط به طور مرتب و قابل ملاحظه‌ای از وضعیتشان در سال ۱۳۰۴ ش بدتر بود... شکی وجود نداشته که اصلاحات رضا شاه به طور عمده از جیب مردم فقیر و بیشتر به نفع یک گروه محدود از طبقات برجسته و مرفه اجتماع بود.^۱

بر اساس همین سیاست‌ها بود که در دوره‌ی پهلوی دوم، جمعیت شهری ایران متشکل از یک طبقه‌ی کوچک اما پر قدرتی شد که همه‌ی ارکان کشور دست این طبقه بود. این طبقه در مجموع، کمتر از یک‌هزار نفر را در بر می‌گرفت و از شش گروه زیر ترکیب می‌شد:

الف) خاندان پهلوی با ۶۳ شاهزاده و وابستگان نزدیک.

ب) خانواده‌های اشرافی که مدت‌ها پیش از اصلاحات ارضی دهی ۱۳۴۰ به سرمایه‌گذاری در شهرها روی آورده بودند، مانند خانواده‌های علم، امینی، بیات، قراگوزلو، دولو، مقدم، جهانبانی و غیره. (اینها عموماً وابسته به الیگارش‌ی نظام قاجاری بودند که به دوره‌ی پهلوی منتقل شدند)

پ) اشراف سرمایه‌دار مانند خداداد فرمانفرمایان، تیمورتاش، مهدی بوشهری، نوری اسفندیاری و غیره که با ایجاد کشت و صنعت، بانک، شرکت‌های تجاری و کارخانه‌های صنعتی یکی از آن ۶ گروه اصلی غارت ثروت‌های ملی بودند.

ت) حدود ۲۰۰ سیاستمدار قدیمی و کارمند عالی‌رتبه و افسر بلندپایه‌ی ارتش که به واسطه‌ی

۱. نیکی آر. کدی، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه‌ی عبد الرحیم گواهی، انتشارات قلم، تهران: ۱۳۶۹. ص ۱۷۳، ۱۷۴.

عضویت در هیأت مدیره‌ها و شرکت در قراردادهای سودآور دولتی، ثروتمند شده بودند.

ث) سرمایه‌دارهای قدیمی که نخستین سودهای میلیونی خود را در رونق تجاری زمان جنگ جهانی دوم و ثروت‌های میلیونی بعدی در دوران ترقی قیمت نفت در دهه‌ی ۱۳۴۰ و ۵۰ به دست آورده بودند. مثل مهدی نمازی، حبیب ثابتی، قاسم لاجوردی، حبیب القانین، رسول وهاب زاده، حسن هراتی، اسدالله رشیدیان، محمد خسرو شاه، جعفر اخوان، ابوالفضل لک و... و کسانی چون احمد خیامی، محمد رضایی، هژبر یزدانی، مراد آرا و غیره که در اواخر دهه‌ی ۴۰ به واسطه‌ی روابط شخصی با خاندان سلطنتی تا سرمایه‌داران قدیمی و کارگزاران شرکت‌های چند ملیتی، امپراطوری‌های تجاری عظیمی بر پا کردند. این خانواده‌های ثروتمند نه تنها مالکیت بیشتر زمین‌های وسیع تجاری بلکه حدود ۸۵٪ شرکت‌های خصوصی مربوط به بانکداری، کارخانه‌های تولیدی، تجارت خارجی، بیمه و ساختمان‌سازی شهری را نیز در اختیار داشتند. برخی از این مقام‌های عالی‌رتبه با لژ فراماسونری مرتبط با دربار، در تهران پیوند داشته و شماری نیز از جمله هژبر یزدانی، القانین، حاج علی کیا، رفائیل شادی، موسی کرمانیان و... از خانواده‌های بهایی و یهودی بودند.

در کنار این شش گروه، نقش اصلی را بنیادی به نام بنیاد پهلوی ایفا می‌کرد که یکی از مهم‌ترین منابع ثروت دربار بود. این بنیاد سالانه بیش از ۴۰ میلیون دلار، کمک مالی از سرمایه‌ی این مملکت دریافت می‌کرد و به شکل یک خزانه‌ی مالیاتی مطمئن، بخشی از املاک و دارائی‌های خانواده‌ی پهلوی را اداره می‌کرد. این بنیاد تقریباً در همه‌ی زوایای اقتصاد کشور نفوذ داشت. در سال ۱۳۵۶، این بنیاد در ۲۰۷ شرکت از جمله ۸ شرکت استخراج معدن، ۱۰ کارخانه‌ی سیمان، ۱۷ بانک و شرکت بیمه، ۲۲ هتل، ۲۵ شرکت صنایع فلزی، ۲۵ شرکت کشت

۱. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: یرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ترجمه‌ی احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی، نشر نی، چاپ دوم، ص ۵۳۸. تهران: ۱۳۷۷. همچنین: سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران، ۱۳۸۱.

و صنعت و ۴۵ شرکت ساختمانی، سهام‌دار بود.^۱

بر اساس گزارش مجله‌ی nation در تاریخ ۱۲ آوریل ۱۹۶۵ (۱۳۴۳) برخی از دریافت‌ها و پرداخت‌هایی که از حساب شماره‌ی Hcpts - ۲۰ - ۲۱۴۸۹۵ بنیاد پهلوی در اتحادیه‌ی بانک سوئیس - ژنو استخراج شده‌اند به قرار زیر است:

دریافت‌های بنیاد پهلوی از:		پرداخت‌های بنیاد پهلوی به:	
نام	مبلغ	نام	مبلغ
۱. شرکت ملی نفت ایران	۲۰ میلیون دلار	فرح پهلوی	۲۳ میلیون دلار
۲. سازمان برنامه	۱۰ میلیون دلار	محمودرضا پهلوی	۵/۵ میلیون دلار
۳. وزارت دارایی	۲۵ میلیون دلار	اشرف پهلوی	۶ میلیون دلار
۴. وزارت جنگ	۶ میلیون دلار	دیگر پهلوی‌ها	۱۵ میلیون دلار
۵. سازمان ورزشی شاهنشاهی	۹ میلیون دلار	چند ایرانی	۴/۵ میلیون دلار
۶. بانک مرکزی	۱۲ میلیون دلار	چند خارجی	۱۷/۶ میلیون دلار
		در وجه حامل	۸ میلیون دلار

اینها فقط مقادیری است که طرف دو سال و خورده‌ای (۱۹۶۰ تا ۱۹۶۳)، به حساب بنیاد پهلوی در سوئیس واریز و از آن برداشت شده است و خدا می‌داند که در سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و پس از افزایش درآمد نفت ایران، چه مبالغ کلانی از سرمایه‌های این مملکت به جیب خاندان پهلوی و وابستگان آنها رفته است.

در رابطه با نقش خاندان پهلوی در نابودی ذخایر و درآمدهای ملی که می‌توانست صرف زیرساخت‌ها و توسعه‌ی ایران در طول حاکمیت پنجاه ساله‌ی این رژیم بر سرنوشت کشور شود، هنوز آمارهای کاملی به دست نیامده است، اما از همین مقداری که مستند شده و ذکر گردیده است، می‌توان فهمید که چرا ایران در پایان حاکمیت نظام مشروطه‌ی سلطنتی، یکی از عقب‌مانده‌ترین کشورهای جهان بوده است و توسعه‌ی انسانی در ایران در ردیف توسعه‌ی انسانی پایین قرار داشت.

در پایان این قسمت، مختصری از نفوذ بنیاد پهلوی در بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و مؤسسات سرمایه‌گذاری را ذکر خواهیم کرد تا خوانندگان عمق فاجعه‌ای را که در ایران در دوران

۱. یرواند آبراهامیان، همان، ص ۵۳۸.

حکومت پهلوی در حال وقوع بوده، دریابند و از این طریق ابزار سنجش مناسبی برای تحولات دوران جمهوری اسلامی در طی دو دهه به دست آوردند.

زیرا همان‌طوری که گفته شد هدف این مقاله، برآورد اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایران در مقایسه با مقیاس‌های بین‌المللی و یا کشورهای پیشرفته نیست. اگر چه نویسنده آرزوی نهایی تحولات ایران پس از انقلاب را رسیدن به آن معیارها می‌داند، اما در شرایطی که کشور ما در آن قرار گرفته است چنین تطبیقی منطبق با واقعیت‌های ملموس در طول دوران انقلاب نخواهد بود. بهترین روش برای برآوردها همان‌طوری که بارها بدان تکیه شد، روش تطبیق اوضاع، مسائل، مشکلات و دستاوردها در طول حاکمیت رژیم‌های گذشته با جمهوری اسلامی است. بنابراین آوردن این آمارها در حقیقت آماده کردن فضای علمی برای چنین تطبیقی می‌باشد. امیدواریم خوانندگان با مقایسه‌ی آمارهای رسمی دوره‌ی پهلوی با آمارهای رسمی دوره‌ی جمهوری اسلامی ایران، امکان منصفانه‌تری برای این مقایسه به دست آورند.

◆ نقش بنیاد پهلوی در ائتلاف سرمایه‌های ملی

بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و مؤسسات سرمایه‌گذاری

۱. بانک عمران، سرمایه ۴ میلیارد ریال، دارایی ۱۱۰۱۱۲ میلیون ریال (اسفند ۵۶) بنیاد پهلوی کلیه‌ی سهام.
۲. بانک ایرانشهر، سرمایه ۳ میلیارد ریال، دارایی ۳۶۷۴۷ میلیون ریال (اسفند ۵۵) بنیاد پهلوی ۳۰٪ سهام.
۳. بانک داریوش، سرمایه ۲ میلیارد ریال، دارایی ۲۴۱۴۶ میلیون ریال (اسفند ۵۶) بنیاد پهلوی سهامدار عمده.
۴. بانک توسعه و سرمایه‌گذاری ایران، سرمایه ۳۰۴۰ میلیون ریال، دارایی ۲۱۶۴۲ میلیون ریال (اسفند ۵۵) بنیاد پهلوی جزو سهامداران.
۵. بانک اعتبارات ایران، سرمایه ۲ میلیارد ریال، دارایی ۱۱۳۴۵۸ میلیون ریال، شفیق‌ها

(فرزندان اشرف) سهامدار عمده.

۶. بیمه‌ی ملی ایران، سرمایه ۱۵۰ میلیون ریال، بنیاد پهلوی کلیه‌ی سهام.
۷. شرکت عمران ترنیوال ایران، بنیاد پهلوی و سه شرکت خارجی سهامداران.
۸. شرکت سرمایه‌گذاری عمران، بنیاد پهلوی سهامدار عمده.
۹. شرکت ایرانشهر فینانس، بنیاد پهلوی جزو سهامداران.
۱۰. شرکت آریا لیسینگ، بنیاد پهلوی جزو سهامداران.
۱۱. بانک صنعتی شهریار، سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی جزو سهامداران.
۱۲. شرکت بین‌المللی توسعه و عمران، سرمایه ۷۰ میلیون ریال، بنیاد اشرف پهلوی و دو شرکت خارجی سهامداران.
۱۳. شرکت خدمات بیمه‌ای خاورمیانه، بنیاد اشرف پهلوی کلیه‌ی سهام.
۱۴. مرکز بین‌المللی پروژه‌های ایران، رورا پهلوی (زن احمدرضا) و یک شرکت آلمانی، کلیه‌ی سهام.
۱۵. شرکت پسانداز وام مسکن کورش، بنیاد پهلوی و خیریه‌ی فرح پهلوی جزو سهامداران.
۱۶. شرکت وام و پسانداز اکباتان، بنیاد پهلوی جزو سهامداران.
۱۷. شرکت عمران فینانسیه، مرکز در ژنو برای سرمایه‌گذاری در خارج از کشور، بنیاد پهلوی سهامدار عمده.
۱۸. فرست ویسکانسین کوریوریشن، بنیاد پهلوی ۵ درصد سهام.

صنایع فلزی

۱. شرکت جنرال موتورز ایران، سرمایه ۹۰۰ میلیون ریال، بنیاد پهلوی اکثریت سهام.
۲. شرکت جیب، سرمایه ۶۰۰ میلیون ریال، بنیاد پهلوی اکثریت سهام.
۳. شرکت هپکو، مونتاژ ماشین‌های راهسازی و دیگر خودروهای سنگین، سرمایه ۷۰۰ میلیون ریال، بنیاد پهلوی سهامدار عمده.

۴. شرکت تولید شاسی و بدنه‌ی اتومبیل در ایران، سرمایه ۶۰۰ میلیون ریال، بنیاد پهلوی و شرکت آلمانی تیسن کلیه‌ی سهام.
۵. شرکت پیشتازان، موتور سیکلت و دوچرخه، شهناز پهلوی با مشارکت شرکت هوندای ژاپن، کلیه‌ی سهام.
۶. شرکت تولیدی تیزرو، شهناز پهلوی سهامدار عمده.
۷. شرکت پرسیان متال فورمز، تولید پروفیل فلزی و جراثقال سقفی، سرمایه ۱۰۸ میلیون ریال، پهلیدها سهامدار عمده.
۸. گروه کارخانه‌های نورد آلومینیم، عبد الرضا پهلوی سهامدار عمده.
۹. شرکت ایران - جان دیر، مونتاژ تراکتور، سرمایه‌ی اولیه ۷۰۰ میلیون ریال، عبدالرضا پهلوی سهامدار عمده.
۱۰. شرکت کارخانجات نورد و پروفیل ساوه، منیژه پهلوی (همسر غلامرضا) سهامدار عمده.
۱۱. شرکت نورد و لوله‌ی اهواز، سازمان شاهنشاهی خدمات و بنیاد پهلوی جزو سهامداران.
۱۲. شرکت صنعتی ایر تراکستون، ساختن جرثقیل، اهرم و غیره، بنیاد پهلوی جزو سهامداران.
۱۳. شرکت داک تیران، تولید لوله‌های چدنی، بنیاد پهلوی جزو سهامداران.
۱۴. شرکت آلوم پارس، تولید وسایل آلومینیومی، شمس پهلوی جزو سهامداران.

صنایع متفرقه

۱. شرکت بریجستون ایران، سرمایه ۱۸۵۰ میلیون ریال، محمودرضا پهلوی با مشارکت دو شرکت ژاپنی سهامدار عمده.
۲. شرکت تولیدی کیان تایر، (بی. اف. گودریچ سابق)، بنیاد پهلوی سهامدار عمده.
۳. شرکت زگالتش، ساخت آند، کاتد و الکترولود، بنیاد پهلوی جزو سهامداران.

۴. شرکت تاراگین، ساخت انواع عایق‌های حرارتی و صوتی، بنیاد پهلوی جزو سهامداران.
۵. شرکت کارخانه‌های مداد ایران، موقوفه‌ی آرامگاه پهلوی کلیه‌ی سهام.
۶. شرکت لادال، تولید مواد شیمیایی، بنیاد پهلوی اکثریت سهام.
۷. گروه صنایع کاغذ پارس، سازمان شاهنشاهی خدمات. سهامدار عمده.
۸. شرکت حریر پارس. سازمان شاهنشاهی خدمات سهامدار عمده.
۹. شرکت داروپخش، سرمایه ۱۲۰۰ میلیون ریال، داروسازی، سازمان شاهنشاهی خدمات کلیه‌ی سهام.
۱۰. شرکت تولیدی و صنعتی آبگینه، تولید شیشه‌ی جام با مشارکت شرکت گلاوریل - بلژیک، خیریه‌ی فرح پهلوی جزو سهامداران.
۱۱. شرکت شل شیمیایی ایران، تولید مواد شیمیایی و سموم دفع آفات نباتی با مشارکت شرکت شل - هلند. شهرام پهلوی نیا سهامدار عمده.

صنایع نساجی

۱. شرکت شه باف، سرمایه ۴۸۰ میلیون ریال، محمودرضا پهلوی سهامدار عمده.
۲. شرکت ایران پوپلین، سرمایه ۲۰۰ میلیون ریال، محمودرضا پهلوی جزو سهامداران.
۳. ریسندگی و بافندگی آذر اصفهان، شهرام پهلوی نیا جزو سهامداران.
۴. شرکت ریسندگی و بافندگی کرج، غلامرضا پهلوی و خانواده اکثریت سهام.

صنایع ساختمانی

۱. شرکت سیمان فارس و خوزستان، سرمایه هفت میلیارد ریال بنیاد پهلوی اکثریت سهام.
۲. شرکت سیمان آبیگ قزوین، بنیاد پهلوی اکثریت سهام.
۳. شرکت سیمان تهران، بنیاد پهلوی، سهامدار عمده.
۴. شرکت صنایع سیمان غرب، بنیاد پهلوی جزو سهامداران.

رژیم پهلوی، با همکاری کشورهای
 استعماری در طول حاکمیت خود نه
 تنها ایران را یک کشور عقب مانده
 نگه داشت، بلکه با غارت مشترک
 منابع و درآمدهای نفتی و
 سرمایه گذاری مشترک در صنایع
 بی مصرف مونتاژی از سهم
 درآمدهای نفتی، زیربنای اقتصادی
 ایران را نابود کرد و همان
 کارخانه های مونتاژ وارداتی را
 چندین بار به مردم مظلوم ایران
 فروخته و سرمایه را از کشور خارج
 کردند و باز مجدداً برای تأسیس
 همان کارخانه از ملت ایران بهای آن
 را گرفتند.

۵. شرکت پارسوئد، ایجاد قطعات پیش ساخته‌ی ساختمانی، سازمان شاهنشاهی خدمات جزو سهامداران.
۶. شرکت آجر جنوب، محمودرضا پهلوی اکثریت سهام.
۷. شرکت گچ تهران، بنیاد پهلوی و شهرام پهلوی نیا، جزو سهامداران.
۸. شرکت ایرانیت، بنیاد پهلوی جزو سهامداران.
۹. شرکت پلاست ایران، تولید لوازم ساختمانی، بنیاد پهلوی جزو سهامداران.
۱۰. شرکت پریفاب، بنیاد پهلوی جزو سهامداران.
۱۱. شرکت آهک چالوس. مهدی بوشهری، (شوهر اشرف) جزو سهامداران.

معادن

۱. شرکت معدنی سنگواره، بنیاد پهلوی ۴۰ درصد سهام.
۲. شرکت آبسنگ، خیریه‌ی فرح جزو سهامداران.
۳. شرکت فیروزه‌ی مشهد، محمودرضا پهلوی اکثریت سهام.
۴. شرکت صنعتی شهوند، محمودرضا پهلوی سهامدار عمده.
۵. شرکت معدنی دونا، محمودرضا پهلوی سهامدار عمده.
۶. شرکت معدنی ایران و رومانی، محمودرضا پهلوی جزو سهامداران.

۷. شرکت معادن نورکان، محمودرضا پهلوی سهامدار عمده.

شرکت‌های ساختمانی

۱. سازمان نوسازی و عمران اراضی غرب تهران، بنیاد پهلوی کلیه سهام.
۲. سازمان عمران کیش، با سرمایه‌گذاری حدود ۲۰۰ میلیون دلار بنیاد پهلوی کلیه سهام.
۳. شرکت عمران و آپارتمان سازی خوردین، بنیاد پهلوی کلیه سهام.
۴. شرکت ساختمانی عمران تکلار، بنیاد پهلوی و دو شرکت یونانی و دانمارکی کلیه سهام.
۵. شرکت عمرانی و شهرسازی شمیران نو. بنیاد پهلوی سهامدار عمده.
۶. شرکت ساختمانی آر بیتا، بنیاد پهلوی کلیه سهام.
۷. شرکت ساختمانی فرانکور ایرانین، بنیاد پهلوی کلیه سهام.
۸. شرکت مونتکس ایران، بنیاد پهلوی و یک شرکت آلمانی کلیه سهام.
۹. شرکت آتی ساز، بنیاد پهلوی جزو سهامداران.
۱۰. شرکت خانه سازی اسکان ایران. بنیاد پهلوی و شرکت امریکایی رینولدز کونستراکشن، کلیه سهام.
۱۱. لتمال کن، بنیاد پهلوی اکثریت سهام.
۱۲. شرکت نوکار. بنیاد پهلوی جزو سهامداران.
۱۳. شرکت ساختمانی گلزار، بنیاد پهلوی سهامدار عمده.
۱۴. شرکت ساختمانی کلبه، محمودرضا پهلوی سهامدار عمده.
۱۵. شرکت میم - جیم - میم. محمودرضا پهلوی اکثریت سهام.
۱۶. شرکت عمران ملک شهر (ساختمان یک شهرک در نزدیکی اصفهان)، محمودرضا پهلوی سهامدار عمده.
۱۷. شرکت خانه‌سازی و توسعه‌ی تهران بزرگ. محمودرضا پهلوی سهامدار عمده.
۱۸. شرکت شهرسازی و ساختمانی فرح آباد. محمودرضا پهلوی اکثریت سهام.

۱۹. شرکت نشیران. کیوان پهلوی نیا فرزند فاطمه.
۲۰. گروه مهندسين مشاور لوترک، کیوان پهلوی نیا فرزند فاطمه
۲۱. شرکت سهامی مهندسی و نوسازی ایران مونیر. شهرام پهلوی نیا با مشارکت یک گروه فرانسوی، کلیه‌ی سهام.
۲۲. شرکت کایدسمیت اینترنشنال، شهرام پهلوی نیا با مشارکت یک گروه خارجی، کلیه‌ی سهام.
۲۳. شرکت خانه‌سازی الهیه، شهرام پهلوی نیا، اکثریت سهام.
۲۴. شرکت مهندسی و ساختمانی ایران نیهون. شهرام پهلوی نیا، به اضافه یک گروه شرکت‌های ژاپنی، کلیه‌ی سهام.
۲۵. شرکت مهستان، بنیاد اشرف پهلوی، کلیه‌ی سهام.
۲۶. شرکت گسترش شمال شهید، سرمایه ۱۰۰۰ میلیون ریال، اشرف پهلوی کلیه‌ی سهام.
۲۷. شرکت سازانکو، بنیاد اشرف پهلوی و یک شرکت خارجی، کلیه‌ی سهام.
۲۸. شرکت ث.ز.آ: مهدی بوشهری و یک گروه خارجی، کلیه‌ی سهام.
۲۹. شرکت عمرانی شهر صنعتی ساوه، شهباز پهلبد (پسر شمس پهلوی) اکثریت سهام.

در حقیقت میراث‌خواران نظام مشروطه به توصیه‌ی اسلاف خود که مدعی بودند ایرانی حتی توانایی ساختن آفتابه را نیز ندارد، در دوران پهلوی به طور مطلق سرنوشت ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایران را تحویل بیگانگان دادند. کلیه‌ی پروژه‌های صنعتی در طول هفتاد سال حاکمیت رژیم مشروطه‌ی سلطنتی پهلوی از ابتدا تا به مرحله‌ی تولید، توسط شرکت‌های خارجی انجام شد.

۳۰. شرکت فیاتک، شهر آزاد پهلبد (دختر شمس) و یک شرکت ایتالیایی، اکثریت سهام.

۳۱. شرکت آناهیتا، شهباز پهلبد، اکثریت سهام.

۳۲. شرکت ایران موبیل هومز، شهیار پهلبد (پسر شمس)، اکثریت سهام.
۳۳. شرکت ساختمانی فرامین، شهباز پهلبد، اکثریت سهام.
۳۴. شرکت شهر صنعتی کورش، شهباز پهلبد، اکثریت سهام.
۳۵. شرکت کورش بنا، شهباز پهلبد، جزو سهامداران.
۳۶. شرکت ساختمانی و مهندسی مهرشهر، شهباز پهلبد اکثریت سهام.
۳۷. شرکت مهندسی و ساختمانی ایرا، پهلبدها، کلیه سهام.
۳۸. شرکت ایراسر، پهلبدها، کلیه سهام.
۳۹. شرکت سازگان، شهباز پهلبد، جزو سهامداران.
۴۰. شرکت ایرا - اسپي کاپاگ، پهلبدها و یک شرکت فرانسوی، کلیه سهام.
۴۱. شرکت ساختمانی خطوط لوله‌ی ایرا، پهلبدها.
۴۲. شرکت سامان ایران، شهرام پهلوی نیا، جزو سهامداران.
۴۳. شرکت تمیشان. غلامرضا پهلوی، ۴۰ درصد سهام.
۴۴. شرکت اینداستریال هومز اینترناشنال، غلامرضا پهلوی و منیژه پهلوی، کلیه سهام.
۴۵. شرکت سودتگ ایران، شفیق‌ها، سهامدار عمده.

صنایع غذایی، واحدهای کشاورزی و دامداری

۱. شرکت تولیدی قند کرج، بنیاد پهلوی، اکثریت سهام.
۲. شرکت قند پارس. بنیاد پهلوی اکثریت سهام.
۳. شرکت قند مرودشت، بنیاد پهلوی، اکثریت سهام.
۴. شرکت تولیدی کارخانه‌ی قند و تصفیه‌ی شکر اهواز، بنیاد پهلوی اکثریت سهام.
۵. شرکت قند دزفول، بنیاد پهلوی، اکثریت سهام.
۶. شرکت قند شاه آباد، بنیاد پهلوی، اکثریت سهام.
۷. شرکت قند فسا، بنیاد پهلوی، اکثریت سهام.

۸. شرکت قند کرمانشاه، بنیاد پهلوی، سهامدار عمده.
۹. شرکت قند لرستان، بنیاد پهلوی، سهامدار عمده.
۱۰. شرکت زرنوش، بنیاد پهلوی، سهامدار عمده.
۱۱. شرکت کشت و صنعت جیرفت، بنیاد پهلوی ۲۰٪ سهام.
۱۲. شرکت کشت و صنعت ایران و امریکا، بنیاد پهلوی، سهامدار عمده.
۱۳. شرکت ایران شل-کات، بنیاد پهلوی ۱۰٪ سهام.
۱۴. شرکت دامداری و کشاورزی ایران اسکاتیش، بنیاد پهلوی و شمس پهلوی، اکثریت سهام.
۱۵. شرکت تولید و بسته‌بندی گوشت زیاران، بنیاد پهلوی، جزو سهامداران.
۱۶. شرکت تولیدی وردا، کارخانجات سرکه‌سازی و تولید مواد غذایی، نیلوفر پهلوی‌نیا (دختر حمیدرضا)، سهامدار عمده.
۱۷. شرکت کشت و صنعت شهیاران، محمودرضا پهلوی، اکثریت سهام.
۱۸. شرکت کشاورزی کیان‌شهر، محمودرضا پهلوی، اکثریت سهام.
۱۹. شرکت صنایع کشاورزی گل‌تپه، محمودرضا پهلوی، سهامدار عمده.
۲۰. شرکت عمران روستایی ایران، شهرام پهلوی‌نیا، سهامدار عمده.
۲۱. کارخانه‌ی کشمش تاکستان، بنیاد پهلوی، کلیه‌ی سهام.
۲۲. شرکت تولیدی عمران دشت، تولید خوراک دام و طیور و تولید الکل، بنیاد پهلوی اکثریت سهام.
۲۳. شرکت کشاورزی و آبیاری نیولا، کیوان پهلوی‌نیا اکثریت سهام.
۲۴. شرکت صنایع روغن نباتی شکوفه‌ی آریا، بنیاد پهلوی و فاطمه پهلوی، اکثریت سهام.
۲۵. شرکت کی‌دشت، شهناز پهلوی و شوهرش (خسرو جهانبانی)، اکثریت سهام.
۲۶. شرکت جهان‌مورا، شهناز پهلوی و شوهرش، اکثریت سهام.
۲۷. شرکت تولید ابریشم ایران، شهرام پهلوی‌نیا و یک گروه ژاپنی، کلیه‌ی سهام.

۲۸. مجتمع دامپروری و شیر پاستوریزه‌ی شهفر، شهرام پهلوی‌نیا، جزو سهامداران.
۲۹. شرکت گله، ایجاد واحدهای کشت و صنعت، اشرف پهلوی، کلیه‌ی سهام.
۳۰. شرکت بذر پیشرو، عبد الرضا پهلوی، سهامدار عمده.
۳۱. سازمان کشاورزی دشت ناز، عبد الرضا پهلوی، کلیه‌ی سهام.
۳۲. شرکت شهپرین، احمدرضا و روزا پهلوی، کلیه‌ی سهام.
۳۳. شرکت تهران بوره، واردات گوشت و غلات، احمدرضا و روزا پهلوی، اکثریت سهام.
۳۴. سازمان کشاورزی علی پهلوی، علی پهلوی، (پسر علی رضا) کلیه‌ی سهام.
۳۵. کشت و صنعت تمیشان، غلامرضا پهلوی، ۴۰٪ سهام.
۳۶. شرکت کشاورزی پارسی‌شهر، غلامرضا پهلوی، اکثریت سهام.
۳۷. کشت و صنعت دشت آجی، غلامرضا پهلوی، اکثریت سهام.
۳۸. شرکت کشاورزی و عمرانی سبزدشت، غلامرضا پهلوی اکثریت سهام.
۳۹. شرکت تولیدی سیاک، غلامرضا پهلوی، سهامدار عمده.
۴۰. شرکت کشت و صنعت کارون، بنیاد پهلوی، جزو سهامداران.
۴۱. شرکت لبنیات پاستوریزه‌ی پاک، مهدی بوشهری، جزو سهامداران.

بازرگانی

۱. شرکت بهداشتی عمران، واردات مواد دارویی و لوازم آرایش، بنیاد پهلوی، سهامدار عمده.
۲. شرکت ماشین آلات عمرانی، واردات ماشین آلات راه‌سازی و ساختمانی، محمودرضا پهلوی سهامدار عمده.
۳. شرکت سولرز ایران، واردات و حق‌العمل کاری، مهدی بوشهری، سهامدار عمده.
۴. شرکت آپریل موزیک، پخش نوار و صفحه، مهدی بوشهری اکثریت سهام.
۵. شرکت تکنیساز، واردات شیشه و لوازم برقی، مهدی بوشهری، اکثریت سهام.
۶. شرکت بلیران، واردات و حق‌العمل کاری، مهدی بوشهری اکثریت سهام.

۷. شرکت تولیدی و بازرگانی مهرآفرین، واردات و نمایندگی شهیار پهلبد، اکثریت سهام.
۸. شرکت جان دیر پخش، واردات و فروش ماشین آلات کشاورزی و راهسازی جان دیر، عبدالرضا پهلوی سهامدار عمده.
۹. شرکت توسعه‌ی تجارت شهاوران، احمدرضا پهلوی، سهامدار عمده.
۱۰. شرکت بی. اند. اف: واردات و نمایندگی، بهمن پهلوی پسر غلامرضا، اکثریت سهام.

خدمات

۱. شرکت ان. سی. ار. ایران: پخش لوازم الکترونیکی در ایران، بنیاد پهلوی (۲۸٪) با مشارکت نشنال کش رجیستر امریکا.
۲. شرکت حفاری سد ایران، عملیات حفاری، بنیاد پهلوی، سهامدار عمده با مشارکت سد کوانیک.
۳. شرکت خدمات دریایی ایران، بنیاد پهلوی کلیه‌ی سهام.
۴. شرکت افست (چاپخانه‌ی ۲۵ شهریور)، سرمایه ۱۰۰۰ میلیون ریال، سازمان شاهنشاهی خدمات، کلیه‌ی سهام.
۵. بنگاه بخت‌آزمایی ملی، سازمان شاهنشاهی، خدمات کلیه‌ی سهام.
۶. شرکت فوتبال ایران، بنیاد پهلوی، سهامدار عمده، (تیم پرسپولیس).
۷. شرکت تدارکات و خدمات دریای باسکو، محمودرضا پهلوی سهامدار عمده.
۸. شرکت سی. آر. سی: فاطمه پهلوی، سهامدار عمده (ساختمان بولینگ)
۹. شرکت خدمات هواپیمایی ژاپن، شهرام پهلوی‌نیا، سهامدار عمده.
۱۰. شرکت هواپیمایی ار تاکسی، شفیق‌ها، اکثریت سهام.
۱۱. شرکت هواپیمایی خدمات ویژه، شفیق‌ها، جزو سهامداران.
۱۲. سازمان آموزشی نومرز (انتشارات فرانکلین سابق) سازمان شاهنشاهی خدمات کلیه‌ی سهام.

۱۳. س. ری: بنیاد اشرف، کلیه‌ی سهام.
۱۴. انجمن قایقرانی بادبانی، شهریار شفیق.
۱۵. شرکت خدمات سینمایی و فیلمبرداری، مهدی بوشهری، اکثریت سهام.
۱۶. شرکت گسترش صنایع سینمایی ایران، مهدی بوشهری، سهامدار عمده.
۱۷. شرکت ایرساکو، مهدی بوشهری و شرکت استابلیشمن بیزنس دولوپمنت، کلیه‌ی سهام.
۱۸. شرکت آب‌های معدنی دماوند، مهدی بوشهری و یک شرکت فرانسوی.
۱۹. شرکت نان شهر، کارخانجات نان ماشینی، بنیاد شمس پهلوی، کلیه‌ی سهام.
۲۰. شرکت کشتیرانی درایوند، شهباز پهلبد، اکثریت سهام.
۲۱. کانون ورزشی مهر، مهرداد پهلبد (شوهر شمس).
۲۲. شرکت کانوش، کارخانجات نان ماشینی، احمدرضا پهلوی، اکثریت سهام.
۲۳. کلپ ورزشی دریاکنار، غلامرضا پهلوی و بنیاد پهلوی، کلیه‌ی سهام.
۲۴. شرکت مزون و دکور، سیمین‌دخت آتابای (نوه‌ی رضاشاه)، کلیه‌ی سهام.
۲۵. شرکت ایران شکار، کامران آتابای.
۲۶. شرکت جهانگردی ایران و ژاپن، بنیاد پهلوی جزو سهامداران.
۲۷. شرکت هناد، بنیاد پهلوی جزو سهامداران.
۲۸. شرکت آریا لیرینگ، اجاره و فروش ماشین آلات، بنیاد پهلوی جزو سهامداران.
۲۹. شرکت انبارهای عمومی، بنیاد پهلوی جزو سهامداران.
۳۰. شرکت ایران ساسر (کامپنون برنارد) مقاطعه کاری و اداره‌ی اموال. شفیق‌ها جزو سهامداران.
۳۱. شرکت لیزینگ ایران، عملیات لیزینگ، شفیق‌ها جزو سهامداران.
۳۲. شرکت سافیران، معاملات رهن، شفیق‌ها، جزو سهامداران.
۳۳. شرکت سافریناس، شفیق‌ها جزو سهامداران.
۳۴. شرکت خانه‌ی ایران. امور حمل و نقل، مهدی بوشهری، سهامدار عمده.

۳۵. سازمان تبلیغاتی فاکوپا، سازمان اجتماعی خدمات، کلیه‌ی سهام.

۳۶. شرکت هتل شهسواران، محمودرضا پهلوی، اکثریت سهام.

۳۷. شرکت هتل‌های لوکس ایران، بنیاد پهلوی، کلیه‌ی سهام.

۳۸. سازمان عمرانی و توریستی نمک آبرود، بنیاد پهلوی سهامدار عمده.

۳۹. شرکت هتل‌های ایران، بنیاد پهلوی ۵۰ درصد سهام.

هتل‌هایی که بنیاد پهلوی، یا کلیه‌ی سهام آنها را در دست داشت و یا در آنها سهیم بود، از جمله عبارت بودند از: هتل‌های بابلسر، ونک، رامسر، جدید رامسر، آریا شرایتون، کورش، اینتر کنتیننتال شیراز، قدیم چالوس، جدید چالوس، گامرون بندر عباس، داریوش کوی سران‌تخت جمشید، متل پرسپولیس، نوشهر، هایت خزر، هایت مشهد، هیلتون تهران، متل تخت‌سر، هتل تخت‌سر، آب علی، شاه‌ی، آمل، بوعلی همدان و...^۱

این آمارها نشان می‌دهد چگونه سرپرست خانوادگی که قبل از به دست گرفتن قدرت و سرنوشت مملکت با درباری‌خانه‌ی اشراف، روزگار می‌گذراند و سرباز یک‌لاقبایی بیش نبود، در پایان حکومت پنجاه ساله‌ی خود و خاندانش با بیش از یک میلیارد دلار ثروت، یکی از ثروتمندترین افراد جهان به شمار می‌رود. نیویورک تایمز در ۱۳ ژانویه ۱۹۷۹ یعنی آخرین روزهای حکومت شاه می‌نویسد: میزان کلی و دقیق ثروت خانوادگی شاه ایران نامعلوم است اما با اطمینان می‌توان گفت که ثروت پهلوی در خاورمیانه فقط با دارایی ثروتمندان عربستان سعودی و خانوادگی الصباح در کویت قابل قیاس است... بانکداران امریکایی اظهار می‌دارند که بخش اعظم ۲ تا ۴ هزار میلیون دلار پولی که طی دو سال اخیر از ایران به امریکا منتقل شد به خانوادگی سلطنتی ایران تعلق داشت... بنیاد پهلوی به نقل از نیویورک تایمز منابع اصلی ثروت خصوصی شاه را تشکیل می‌دهد.^۲

۱. آمارهای مذکور از نشریه‌ای تحت عنوان «اخراج صد پا» استخراج گردید. این نشریه در تاریخ تیر ماه سال

۱۳۵۷ به چاپ رسید و نویسنده و ناشر آن مشخص نیست.

۲. اطلاعات، شنبه، ۲۳ دی ماه ۱۳۵۷، شماره ۱۵۷۵۸.

انقلاب اسلامی بی تردید
منعکس‌کننده‌ی شکست مدل
دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی،
اقتصادی و فرهنگی ایران به اشکال
متفاوت غربی بود. مدلی که جز
تسلط خارجی‌ها بر ساختار اجتماعی
ایران، خروج ثروت ملی توسط
شرکت‌های چند ملیتی و خاندان
سلطنتی و وابستگان آنها، بی توجهی
به تمایلات مردم و نابودی فرهنگ
ملی، چیزی به همراه نیاورد.

آیا توسعه‌ی انسانی، توسعه‌ی اقتصادی و پیشرفت اجتماعی در چنین جامعه‌ای که بر اساس بررسی‌های اقتصادی فقط در سال ۱۳۳۸، ۳۵/۵٪ از کل هزینه‌ها به ۱۰٪ از ثروتمندترین افراد و ۵۱/۷٪ از کل هزینه‌ها به ۲۰٪ از افراد طبقات بالا تعلق داشت و در سطح پایین هرم اجتماعی ۱/۷ درصد از کل هزینه‌ها به ۱۰٪ از فقیرترین‌ها و ۴/۷٪ کل هزینه‌ها به ۲۱٪ فقیرتر مربوط می‌شد و در جمع ۲۷٪ از کل هزینه به ۴۰٪ افراد با درآمد متوسط مربوط بود، چنین توزیع نامناسب و ظالمانه‌ای می‌توانست منجر به رشد

اقتصادی و رشد منابع انسانی شود؟ آمارهای سال ۱۳۵۲ نشان می‌دهد که این روند نامناسب، بنیاد توسعه‌ی انسانی ایران را از هم پاشیده و ۵۵/۵٪ از کل هزینه‌ها به ۲۰٪ ثروتمندترین و ۳/۷٪ از کل هزینه‌ها به ۲۰٪ فقیرترین‌ها و ۲۶٪ از کل هزینه‌ها به ۴۰٪ از جمعیت متوسط کشور تعلق گرفت.^۱

در توسعه‌ی انسانی، مهم‌ترین بحث توضیح مناسب برابری در استفاده از فرصت‌ها، پایداری در احساس مسئولیت نسبت به نسل‌های آینده، سرمایه‌گذاری در منابع انسانی و ایجاد فضای قابلیت‌زایی برای افرادی که قادر به بهره‌برداری از ظرفیت‌هایشان می‌باشند و توانمندسازی مردم به سطحی از توسعه‌ی فردی که امکان انتخاب بر اساس علایق و خواست‌های آنها را فراهم سازد مطرح است، در سطح همه‌ی کشور مطرح است. اما آمارهای سال ۱۳۵۴ نشان

می‌دهد که بر اساس سیاست‌های رژیم پهلوی و خروج منابع مالی از کشور در توسعه‌ی انسانی، تفاوت فاحشی در نقاط مختلف کشور وجود داشته است. به عنوان نمونه درصد باسوادان نسبت به کل جمعیت هر استان، در تهران ۶۲، در آذربایجان شرقی ۲۷، در سیستان و بلوچستان ۲۶ و در کردستان ۲۵ بود. از کل کودکان هر استان، در صد کودکان دبستانی در تهران ۷۴ در آذربایجان غربی ۴۴، در سیستان و بلوچستان ۴۰ و در کردستان ۳۶ بود. در استان تهران برای هر ۹۷۴ نفر یک پزشک، برای هر ۵۶۲۶ نفر یک دندانپزشک و برای هر ۱۸۲۰ نفر یک پرستار وجود داشت.

اما در استان کردستان برای هر ۶۴۷۷ نفر یک پزشک، برای هر ۵۷۲۹۴ نفر یک دندانپزشک و برای هر ۴۶۵۵۲ نفر یک پرستار وجود داشت و این نسبت در استان سیستان و بلوچستان به مراتب فاجعه‌آمیز بود. به طوری که برای هر ۵۳۱۱ نفر یک پزشک برای هر ۵۱۶۶۳ نفر یک دندانپزشک و برای هر ۲۷۰۶۴ نفر یک پرستار وجود داشت. این مسئله نسبت به جمعیت‌های استان‌ها نشان‌دهنده‌ی عمق نابسامانی‌ها و نارضایتی‌هایی است^۱ که در برابر نابرابری‌های قومی و طبقاتی تا اواسط دهه‌ی ۱۳۵۰ به ضرب دلارهای نفتی و فریب مردم از طریق یارانه‌های مواد غذایی برای حداقل زندگی پنهان نگه‌داشته می‌شد و جامعه در جریان نابودی زیرساخت‌های توسعه‌ی انسانی قرار نمی‌گرفت.

با وجودی که درآمد ایران در سال‌های ۱۳۵۵ به حدود ۲۰ میلیون دلار و از کل درآمد نفتی ۱۳ میلیون دلار بین سال‌های ۴۳ تا ۵۳، به ۳۸ میلیون دلار بین سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۶ رسید، اما بخش قابل توجهی از این درآمدها صرف اسراف‌کاری‌های سلطنتی، بناکردن قصرها و مصارف اداری غیرضروری، فساد بیش از حد، خرید تسلیحات غیر ضروری و سرمایه‌گذاری شخصی در خارج از کشور گردید.

فرآیند واردات کالا و پرهیز از سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های توسعه‌ی انسانی در این

سال‌ها به مراتب افزایش پیدا کرد. به گونه‌ای که ایران در سال ۱۳۵۷ یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان کالا به شمار می‌رفت. جدول زیر به نقل از بانک مرکزی تا حدودی ترکیب واردات و صادرات را در سال‌های منتخب بین ۴۰ تا ۵۷ نشان می‌دهد.

جدول واردات و صادرات (به میلیارد ریال)^۱

صادرات	واردات	سال
۹/۵۹	۴۷/۱۷	۴۰
۱۱/۴۸	۵۶/۷۹	۴۳
۱۳/۶۲	۹۰/۴۵	۴۶
۲۶/۲۷	۱۵۷/۶۶	۵۰
۳۳/۸۶	۱۹۳/۶۵	۵۱
۳۹/۲۵	۴۴۸/۰۷	۵۳
۴۴/۰۵	۱۰۳۴/۲۰	۵۶
۳۸/۱۹	۷۳۲/۴۹	۵۷

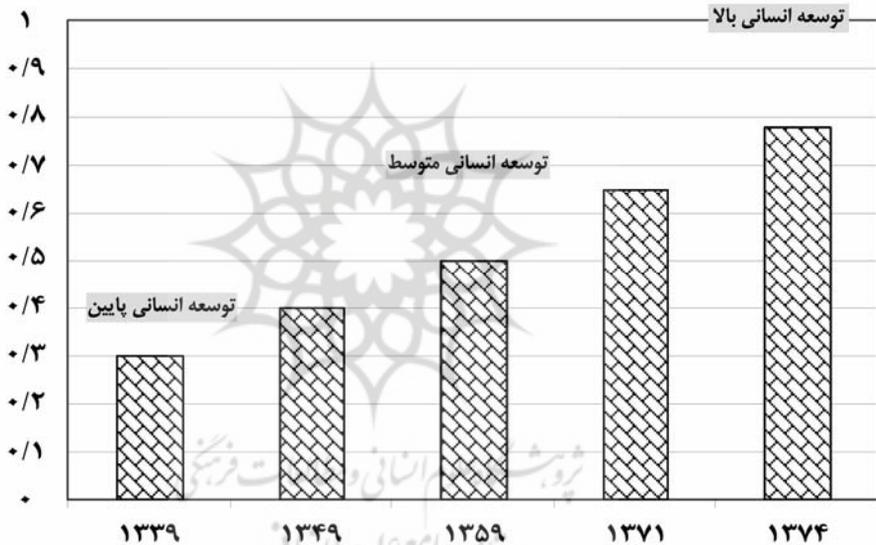
جدول مذکور تا حدودی عمق فاجعه در زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی ایران را نشان می‌دهد. درصد رشد واردات نسبت به صادرات نشان می‌دهد که در طول این دو دهه چگونه رژیم شاه پس از سرکوبی مخالفان، هر چه بیشتر کشور را از جنبه‌ی بنیه‌های اقتصادی و اجتماعی و به عبارت دیگر از جنبه‌ی توسعه‌ی انسانی به سوی نابودی سوق داد.

در جداول زیر فرآیند تحولات فضای

نیویورک تایمز در ۱۳ ژانویه ۱۹۷۹ یعنی آخرین روزهای حکومت شاه می‌نویسد: میزان کلی و دقیق ثروت خانواده‌ی شاه ایران نامعلوم است اما با اطمینان می‌توان گفت که ثروت پهلوی در خاورمیانه فقط با دارایی ثروتمندان عربستان سعودی و خانواده‌ی الصباح در کویت قابل قیاس است...

اجتماعی جمهوری اسلامی را تا سال ۱۳۷۶ با تمام دوران رژیم مشروطه‌ی سلطنتی به صورت تطبیقی به تصویر خواهیم کشید تا تفاوت تحولات صورت گرفته در فرصت اندک نظام جمهوری اسلامی (با تمام مشکلاتی که داشته) با سایر دوره‌ها، مشخص شود.

روند شاخص توسعه‌ی انسانی در ایران (۱۳۳۹ - ۱۳۷۴)



همان‌طوری که در نمودار مذکور می‌بینیم، شاخص توسعه‌ی انسانی میانگین وزنی ساده‌ای است، از نماگری که بین یک حداقل (صفر) و یک حداکثر (یک) قرار می‌گیرد. کشورهای دارای شاخص توسعه‌ی انسانی پایین‌تر از ۰/۵۰۰ به عنوان کشورهای با توسعه‌ی انسانی پایین و کشورهای واقع در فاصله ۰/۵۰۰ و ۰/۷۹۹ کشورهای با توسعه‌ی انسانی متوسط و کشورهای با شاخص ۰/۸۰۰ تا یک به عنوان کشورهای با توسعه‌ی انسانی بالا محسوب می‌شوند.^۱

بر اساس نمودار مذکور، تغییر ارزش شاخص توسعه‌ی انسانی از سال ۱۳۳۹ تا سال ۱۳۵۷

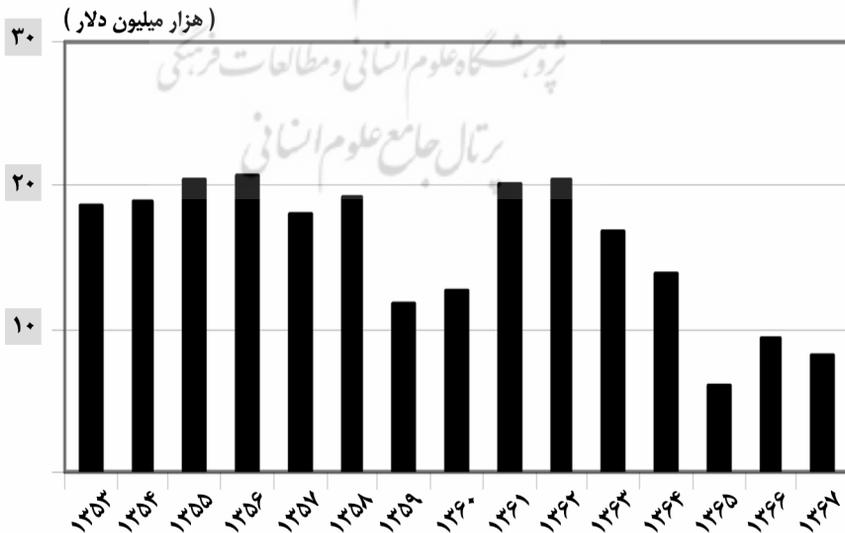
علی‌رغم امکاناتی که رژیم مشروطه‌ی سلطنتی از آن برخوردار بود، رشد چشم‌گیری نداشته و ایران از جنبه‌ی سطح توسعه، در ردیف کشورهای با توسعه‌ی انسانی پایین قرار داشت. اما از سال ۵۷ تا سال ۷۴ علی‌رغم مشکلات انقلاب، جنگ تحمیلی، تحریم‌های اقتصادی و فشارهای اجتماعی و از همه مهم‌تر از هم‌پاشی سامان اجتماعی به خاطر انقلاب، روند رشد روزافزون توسعه‌ی انسانی در ایران روندی چشمگیر و دارای سیر صعودی از ۴۵۲٪ به رقم ۷۵۸٪ می‌باشد. روندی که بی‌تردید اگر نمودار شاخصه‌های آن را تا سال ۱۳۸۳ ادامه دهیم، به مراتب رشد فزاینده‌ای را تا مرحله‌ی بالای رشد توسعه‌ی انسانی نشان خواهد داد.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران ساختار وابسته‌ی سامان اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور به بیگانگان و چهره‌ی واقعی رژیم شاه را نشان داد. ورشکستگی نظام بانکی به علت پرداخت‌های بی‌رویه‌ی اعتبارات و خروج شدید سرمایه از کشور، نخستین واکنش قابل پیش‌بینی اقتصاد بیمار و وابسته‌ی شاه بود. سرمایه‌داران وابسته با احساس ناامنی به فروش سرمایه‌های منقول و غیر منقول خود پرداخته و مؤسسات تولیدی را به تعطیلی کشاندند. تحریم اقتصادی آمریکا و دیگر کشورهای غربی مثل اروپا، ژاپن و غیره، مشکلات پس از پیروزی انقلاب را تشدید کرد و اقتصاد وابسته و از هم‌پاشیده‌ی باقی‌مانده از رژیم شاه از چند سو زیر فشار قرار گرفت. از یک طرف نفت ایران بدون خریدار ماند و درآمد نفتی از حدود ۱۸ میلیون دلار در سال ۱۳۵۷ به ۱۱ میلیون ۶۰۷ دلار در سال ۱۳۵۹ کاهش پیدا کرد و از سوی دیگر عدم تأمین به موقع مواد اولیه‌ی قطعات و ماشین‌آلات مورد نیاز صنایع وابسته، ضربه سختی خوردند.^۱ اما علی‌رغم همه‌ی این مشکلات، فرآیند رشد توسعه‌ی انسانی ایران حتی در طول ده سال اول انقلاب با تمام دوران رژیم مشروطه‌ی سلطنتی برابری می‌کند. جدول زیر فرآیند رشد درآمدهای نفتی رژیم شاه از سال ۵۳ تا ۵۷ و سقوط این درآمدها را از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۷ به درستی نشان می‌دهد:

جدول ارزش صادرات نفت و فرآورده‌های آن و گاز در طی سال‌های ۶۷-۱۳۵۳ (واحد میلیون دلار)

سال	نفت و فرآورده‌های آن	گاز	جمع
۱۳۵۳	۱۸/۵۲۳	۱۳۱	۱۸/۶۵۴
۱۳۵۴	۱۸/۸۷۱	۲۰۳	۱۹/۰۷۴
۱۳۵۵	۲۰/۴۸۸	۱۸۳	۲۰/۶۷۱
۱۳۵۶	۲۰/۷۱۳	۱۹۱	۲۰/۹۰۴
۱۳۵۷	۱۷/۸۶۷	۲۴۹	۱۸/۱۱۶
۱۳۵۸	۱۹/۳۱۶	۷۰	۱۹/۳۸۶
۱۳۵۹	۱۱/۶۰۷	۲۴۳	۱۱/۸۵۰
۱۳۶۰	۱۲/۴۵۶		۱۲/۴۵۶
۱۳۶۱	۲۰/۰۵۰		۲۰/۰۵۰
۱۳۶۲	۲۰/۴۵۷		۲۰/۴۵۷
۱۳۶۳	۱۶/۶۶۳		۱۶/۶۶۳
۱۳۶۴	۱۳/۶۹۷		۱۳/۶۹۷
۱۳۶۵	۵/۹۸۲		۵/۹۸۲
۱۳۶۶	۹/۳۸۷		۹/۳۸۷
۱۳۶۷	۸/۰۱۵		۸/۰۱۵

ارزش‌های صادرات گاز، نفت و فرآورده‌های نفتی (۱۳۶۷ - ۱۳۵۳)



ارتقای توسعه‌ی انسانی بر اساس سه شاخص؛ ۱. نماگر امید به زندگی ۲. نماگر آموزشی ۳. نماگرهای روند محصول ناخالص داخلی.

سرانه‌ی واقعی نشان می‌دهد که رژیم مشروطه‌ی سلطنتی علی‌رغم حاکمیت هفتاد و خورده‌ای سال خود به دلیل وابستگی شدید به خارج از کشور توفیق چندانی به دست نیاورد، اما جمهوری اسلامی در یک فرآیند ۲۰ ساله با دارا بودن حداقل ۹۷/۲ میلیارد دلار خسارت جنگی بر اساس برآوردهای خست‌بار سازمان ملل یعنی خسارتی معادل ۶ سال فروش نفت فقط برای تجدید آنچه در جنگ تخریب شد، توانست شاخص‌های نماگر توسعه‌ی انسانی را در ایران به معیارهای توسعه‌ی انسانی بالا نزدیک کند. جداول زیر جلوه‌ای دیگر از این تحولات را در سه شاخص مذکور از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۷۶ نشان می‌دهد:^۱

نماگر امید به زندگی در ایران طی دهه‌های گذشته (به سال)

سال	۱۳۳۹	۱۳۶۷	۱۳۷۶
نماگر امید به زندگی	۴۹/۵ سال	۶۱/۶ سال	۶۹/۵ سال

نماگرهای آموزشی در ایران طی دهه‌های گذشته (درصد)

سال	۱۳۵۹	۱۳۶۷	۱۳۷۶
نماگر نرخ با سواد بزرگسالان	۴۱/۸	۵۷/۱	۷۴/۵
نماگر نرخ ترکیبی ثبت نام ناخالص در کلیه‌ی مقاطع تحصیلی	۴۶/۰	۶۵/۶	۷۵/۰

روند محصول ناخالص داخلی سرانه‌ی واقعی در ایران (بر حسب دلار)

سال	۱۳۳۹	۱۳۵۵	۱۳۶۷	۱۳۷۶
محصول ناخالص داخلی سرانه‌ی واقعی	۱۹۸۵	۴۹۷۶ ^۲	۳۷۱۵	۵۲۲۲

۱. اولین گزارش ملی توسعه‌ی انسانی در جمهوری اسلامی ایران، ص ۴۵.

۲. رشد مذکور ناشی از رشد سرسام‌آور قیمت نفت در سال‌های مذکور می‌باشد و نرخ رشد فرآیند اقتصاد سالم نیست.

به عبارت دیگر اگر نامگر امید به زندگی را که یکی از شاخصه‌های توسعه‌ی انسانی است به شکل تفکیکی مشخص کنیم، در سال ۱۳۵۵ که سال‌های آخر حکومت پهلوی بود. امید به زندگی در بدو تولد برای مردان ۵۵/۸ سال و برای زنان ۵۷/۴ سال بود. این رقم در سال ۱۳۶۵ یعنی ده ساله‌ی اول انقلاب که بحرانی‌ترین سال‌های انقلاب بود، برای مردان از رقم ۵۵/۸ سال به ۵۸/۴ و برای زنان به ۵۹/۷ سال افزایش پیدا کرد.

تا سال ۱۳۸۰ فرآیند رشد امید به زندگی که نشانگر بهبودی وضع اجتماعی و مسائلی چون بهداشت، تغذیه و غیره است در مردان ۶۷/۶ سال و در زنان به ۷۰/۴ سال افزایش پیدا کرد. به عبارت دیگر میانگین امید به زندگی در ایران از بدو تولد به ۶۹ سال افزایش پیدا کرد. جدول زیر فرآیند این تحولات را از سال ۱۳۵۵ بر اساس منابع متفاوت نشان می‌دهد:

امید زندگی در بدو تولد [e⁰o] در منابع مختلف^۱

سال	امید زندگی در بدو تولد (سال)		منبع
	مرد و زن	مرد	
۱۳۸۰	۶۹/۰	۶۷/۶	۷۰/۴ (مرکز آمار ایران: ۱۳۸۰)
۱۳۷۷	۶۲/۶	۶۱/۸	۶۳/۴ (کوزو آدا: ۱۹۸۳)
۱۳۷۶	۶۹/۵	۶۸/۴	۷۰/۶ (اولین گزارش توسعه‌ی انسانی جمهوری اسلامی ایران: ۱۳۷۸)
۱۳۷۵	۶۷/۴	۶۶/۱	۶۸/۳ (حبیب‌الله زنجانی و طه نورالهی: ۱۳۷۹)
۱۳۷۵		۶۷/۰	۶۹/۸ (مرکز آمار ایران: ۱۳۷۸)
۱۳۷۵		۷۰/۷	۷۳/۴ (حسین ملک افضلی: ۱۳۷۷)
۱۳۷۰	۶۴/۷	۶۳/۳	۶۶/۲ (اولین گزارش توسعه‌ی انسانی جمهوری اسلامی ایران: ۱۳۷۸)
۱۳۷۰	۶۳/۲	۶۲/۶	۶۴/۱ (طه نورالهی و مجید نوروزی: ۱۳۷۲)
۱۳۶۵	۵۹/۰	۵۸/۴	۵۹/۷ (طه نورالهی: ۱۳۷۱)
۱۳۶۵	۶۰/۷		۵۹/۸ (حبیب‌الله زنجانی: ۱۳۷۰)
۱۳۶۵		۵۹/۸	۶۳/۴ (حبیب‌الله زنجانی و مجید کوششی: ۱۳۷۷)
۱۳۵۵		۵۵/۸	۵۷/۴ (سید حسن شمس: ۱۳۶۱)
۱۳۵۵		۵۷/۶	۵۷/۴ (ک. ال. کهلی: ۱۳۶۱)

همان‌طوری که گفته شد فرآیند رشد امید به زندگی در ایران عصر انقلاب اسلامی نشان از

۱. به نقل از سالنامه‌ی آماری سال ۱۳۸۰، برای مطالعه‌ی این سالنامه می‌توان به پایگاه اینترنتی مرکز آمار ایران در

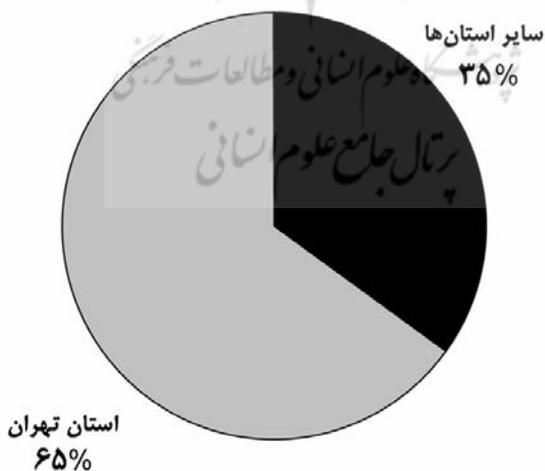
آدرس زیر مراجعه کرد:

<http://amar.sci.org.ir/Detail.aspx?Ln=F&no=238969&S=TP/7/27/2005>

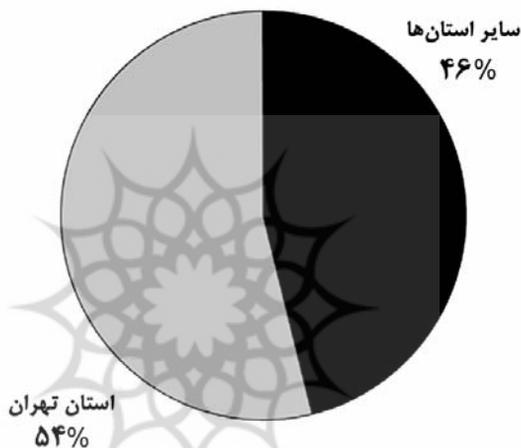
رشد و بهبود بهداشت، تغذیه و امنیت غذایی است. به عبارت دیگر افزایش امید به زندگی در ایران در سال‌های ۷۶ - ۱۳۶۷ رشدی معادل افزایش آن طی سه دهه در سال‌های ۶۷ - ۱۳۳۹ را نشان می‌دهد. این پیشرفت آشکار مرهون اقدامات دولت در ارائه خدمات بهداشتی در دوران انقلاب اسلامی است.

در سال ۱۳۵۶ بر اساس آمارهای رسمی رژیم شاه در کل کشور، تعداد ۱۴۷۰۰ پزشک وجود داشت که از این تعداد ۹۴۴۱ پزشک عمومی و بقیه پزشکان متخصص بودند. از مجموع مذکور تعداد ۶۸۳۰ پزشک یعنی تقریباً نزدیک به ۴۶٪ این پزشکان در تهران و کرج به ارائه خدمات مشغول بودند و ۵۱٪ بقیه در سطح کشور پراکنده بودند.

توزیع درصد پزشکان عمومی به تفکیک تهران و سایر استان‌ها ۱۳۵۶



توزیع درصد پزشکان در تهران و شهرستان‌ها ۱۳۵۶



جدول زیر میزان پراکندگی پزشکان کشور را نشان می‌دهد:

پزشکان کشور بر حسب استان‌ها و به تفکیک تخصص در سال ۱۳۵۶^۱

استان	جمع کل پزشکان	پزشکان متخصص			
		پزشکان عمومی	رشته‌های داخلی	کودکان	اعصاب و روان جراحی
کل کشور	۱۴۷۰۰	۹۴۴۱	۸۲۷	۶۹۶	۱۴۱۲
تهران بزرگ و کرج	۶۸۳۰	۳۱۹۴	۶۰۲	۴۸۴	۹۴۶
مرکزی	۳۷۷	۳۱۵	۳	۱۲	۰
گیلان	۴۱۳	۳۳۰	۱۲	۷	۱
مازندران	۵۸۰	۴۴۰	۱۵	۲۰	۳
آذربایجان شرقی	۷۵۹	۵۷۰	۳۳	۲۵	۵
آذربایجان غربی	۳۰۳	۲۶۰	۵	۳	۰
کرمانشاهان	۲۳۹	۱۹۸	۵	۴	۰
خوزستان	۸۹۴	۷۰۵	۲۲	۲۱	۴
فارس	۷۴۶	۵۰۸	۴۱	۳۹	۹

۸	۰	۸	۸	۲۰۷	۲۴۷	کرمان
۵۳	۱۳	۲۲	۴۲	۷۵۲	۹۹۱	خراسان
۶۵	۵	۳۶	۳۳	۶۷۷	۹۲۳	اصفهان
۱	۰	۱	۱	۱۳۴	۱۳۸	سیستان و بلوچستان
۶	۰	۱	۱	۱۲۹	۱۳۹	کردستان
۲	۰	۳	۰	۱۲۳	۱۳۱	هرمزگان
۷	۱	۴	۳	۱۴۷	۱۷۲	همدان
۱۱	۰	۰	۰	۱۴۰	۱۵۸	لرستان
۵	۰	۱	۰	۱۱۸	۱۳۶	یزد
۱	۰	۰	۰	۱۰۸	۱۱۳	بوشهر
۱	۰	۱	۰	۹۵	۹۷	چهار محال و بختیاری
۱	۰	۲	۰	۷۵	۷۹	زنجان
۱	۰	۰	۰	۳۴	۳۶	ایلام
۶	۰	۲	۱	۱۴۵	۱۶۱	سمنان
۱	۰	۰	۰	۳۷	۳۸	بویبر احمد و کهگیلویه

پزشکان متخصص							استان
رشته‌های آزمایشگاهی	بیهوشی	پوست و آمیزی	رادیولوژی	زنان و زایمان	گوش و گلو و بینی	چشم پزشکی	
۲۶۵	۳۳۸	۱۱۲	۲۵۳	۶۲۸	۲۵۹	۲۶۵	کل کشور
۱۹۴	۲۴۴	۸۰	۱۷۲	۴۲۰	۱۶۳	۱۶۹	تهران بزرگ و کرج
۳	۳	۰	۳	۶	۴	۶	مرکزی
۰	۶	۱	۵	۱۲	۴	۳	گیلان
۲	۴	۲	۷	۲۶	۹	۵	مازندران
۱۲	۹	۳	۵	۱۷	۱۲	۱۱	آذربایجان شرقی
۰	۲	۲	۰	۳	۲	۴	آذربایجان غربی
۱	۲	۱	۳	۷	۳	۱	کرمانشاهان
۷	۱۰	۷	۱۰	۲۶	۱۲	۱۲	خوزستان

آمار دندان پزشکان کشور در سال‌های ۵۷ - ۱۳۳۹

استان	مرداد	دی	بهمن ^۱	بهمن	اسفند	فروردین	فروردین	مرداد
کل کشور	۱۳۴۹	۱۳۵۰	۱۳۵۱	۱۳۵۲	۱۳۵۳	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷
تهران بزرگ و کرج	۶۹۵	۷۴۰	۷۸۸	۸۵۲	۹۲۴	۹۹۳	۱۰۴۲	۱۱۳۰

۱. محل کار ۱۶ نفر از دندان‌پزشکان مشخص نشده ولی در این جمع منظور شده‌اند. مأخذ: سازمان نظام پزشکی، به

نقل از پایگاه اینترنتی زیر:

<http://amar.sci.org.ir/Detail.aspx?Ln=F&no=217936&S=TP>

۵۹	۴۸	۵۱	۵۰	۵۰	۴۳	۳۷	۳۶	مرکزی
۶۴	۶۰	۵۲	۴۳	۳۸	۳۰	۳۰	۲۹	گیلان
۹۹	۸۸	۷۱	۶۱	۵۹	۵۲	۵۴	۵۲	مازندران
۷۱	۶۴	۵۵	۴۹	۴۵	۴۰	۳۶	۳۵	آذربایجان شرقی
۵۱	۴۶	۳۸	۳۲	۲۸	۲۵	۲۴	۲۵	آذربایجان غربی
۴۰	۳۹	۳۸	۳۵	۳۳	۲۴	۲۰	۱۸	کرمانشاهان
۱۱۰	۱۰۱	۹۵	۸۴	۷۶	۶۷	۵۶	۵۵	خوزستان
۸۷	۶۷	۶۳	۵۱	۴۹	۴۴	۴۳	۳۰	فارس
۳۹	۳۶	۳۲	۲۵	۲۶	۲۷	۲۳	۱۸	کرمان
۱۴۲	۱۳۶	۱۲۲	۹۴	۸۶	۶۱	۵۶	۵۴	خراسان
۸۱	۶۷	۵۶	۵۲	۴۸	۴۴	۴۳	۴۴	اصفهان
۲۰	۱۴	۱۴	۱۱	۸	۱۰	۱۰	۷	سیستان و بلوچستان
۱۶	۱۵	۱۳	۱۳	۱۳	۱۲	۱۳	۱۰	کردستان
۲۱	۱۷	۱۳	۱۱	۴	۵	۳	۵	هرمزگان
۲۴	۲۱	۲۱	۱۶	۱۹	۱۵	۱۶	۱۵	همدان
۲۳	۲۲	۱۶	۱۲	۱۲	۱۰	۱۳	۱۱	لرستان
۱۵	۱۲	۱۲	۱۰	۱۰	۱۰	۸	۹	یزد
۱۶	۱۶	۱۵	۱۲	۱۰	۷	۴	۳	بوشهر
۶	۶	۵	۳	۳	۳	۳	۲	چهارمحال و بختیاری
۱۶	۱۴	۱۰	۷	۷	۵	۶	۸	زنجان
۴	۳	۳	۳	۱	۲	۱	۱	ایلام
۳۷	۲۸	۱۳	۱۰	۱۱	۷	۵	۶	سمنان
۵	۳	۲	۲	۱	۰	۰	۱	بویراحمند و کهگیلویه

بر اساس جداول مذکور بخش بزرگی از شهرها و روستاهای کشور در آستانه‌ی انقلاب اسلامی محروم از پزشک و امکانات بهداشتی بودند و در این میان زنان و کودکان سهم بیشتری از این محرومیت داشتند. به طوری که در سراسر استان مرکزی فقط ۱۲ پزشک متخصص کودکان، در استان گیلان ۷ پزشک، در آذربایجان غربی ۳، در کرمانشاهان ۴، در کرمان ۸، در سیستان و بلوچستان، کردستان، یزد و چهارمحال و بختیاری ۱ پزشک، در هرمزگان ۳ و همدان ۴ و استان لرستان، بوشهر، ایلام و کهگیلویه و بویر احمد فاقد پزشک متخصص کودکان بودند. به همین نسبت پزشک متخصص زنان و زایمان علی‌رغم جمعیت وسیع زنان کشور، نیز در کلیه استان‌ها از فقر شدیدی رنج می‌بردند.

به طوری که از جمع ۶۲۸ پزشک متخصص زنان و زایمان در کشور در سال ۱۳۵۶، تعداد ۴۲۰ پزشک در تهران و کرج، ۶ پزشک در استان مرکزی، ۱۲ پزشک در گیلان، ۲۶ پزشک در

مازندران، ۱۷ پزشک در آذربایجان شرقی، ۳ پزشک در آذربایجان غربی، ۷ پزشک در کرمانشاهان و ۲۶ پزشک در خوزستان مستقر بودند. بقیه‌ی استان‌های کشور فاقد پزشک زنان و زایمان، چشم پزشکی، گوش و گلو و بینی، رادیولوژی و غیره بودند. همچنین بر اساس آمارهای رسمی از مجموع ۱۴۷۰۰ پزشک کل کشور در سال ۱۳۵۶، تعداد ۱۳۳۸۱ پزشک مرد و تنها ۱۳۱۹ پزشک زن وجود داشت.

اوضاع دندان‌پزشکی نیز به مراتب بدتر از بخش‌های دیگر بهداشت و درمان کشور بود. جدول زیر درصد پراکندگی پزشکان و دندان‌پزشکان کشور را بر حسب گروه‌های سنی و جنسیت در سال ۱۳۵۶ نشان می‌دهد:

پزشکان و دندان‌پزشکان کشور بر حسب گروه‌های سنی و جنس در سال ۱۳۵۶

دندان‌پزشکان			پزشکان			گروه‌های سنی
زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع	
۴۱۷	۱۷۵۹	۲۱۷۶	۱۳۱۹	۱۳۳۸۱	۱۴۷۰۰	کل کشور
۱۱۵	۱۶۳	۲۷۸	۲۶۳	۱۱۳۳	۱۳۹۶	۲۵-۲۹
۱۰۴	۳۲۰	۴۲۴	۴۰۸	۲۴۱۴	۲۸۲۲	۳۰-۳۴
۷۹	۳۸۸	۴۶۷	۳۹۰	۳۹۷۳	۳۲۶۳	۳۵-۳۹
۳۲	۳۲۵	۳۵۷	۱۸۳	۳۱۹۸	۳۳۸۱	۴۰-۴۴
۲۳	۱۸۲	۲۰۵	۷۵	۱۸۳۶	۱۹۱۱	۴۵-۴۹
۲۱	۱۴۰	۱۶۱	۲۹	۶۹۱	۷۲۰	۵۰-۵۴
۱۵	۵۰	۶۵	۴۰	۳۸۶	۴۲۶	۵۵-۵۹
۲۸	۱۹۱	۲۱۹	۳۱	۷۵۰	۷۸۱	۶۰ساله و بالاتر

این جداول را مقایسه کنید با جداول تصرف شخصی اموال عمومی و خروج سرمایه‌ی ملی توسط الیگارشی وابسته به خاندان سلطنتی. یعنی اگر حتی رژیم شاه بخش بسیار ناچیزی از درآمدهای ملی را که به وسیله‌ی بنیاد پهلوی و سایر مؤسسات وابسته از کشور خارج می‌کرد، به بهبود اوضاع کشور اختصاص می‌داد، چه تحولاتی در کشور اتفاق می‌افتاد! جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدا با مشاهده‌ی اوضاع نابسامان بهداشت و درمان کشور،

۱. مأخذ: سازمان نظام پزشکی، به نقل از پایگاه اینترنتی زیر

سرمایه‌گذاری قابل توجهی را متوجه این بخش نمود. به طوری که ظرف مدت دو دهه، علی‌رغم فشارهای شرایط جنگی و بازسازی کشور، جمع پزشکان شاغل در بخش وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی را به ۲۳۵۵۳ نفر افزایش داد. یعنی نزدیک به دو برابر آنچه که در سال ۱۳۵۶ در بخش‌های دولتی و آزاد مشغول فعالیت بودند. جدول زیر پراکنش تخصصی پزشکان شاغل در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را نشان می‌دهد:

پزشکان شاغل در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بر حسب رشته و نوع تخصص^۱

رشته و نوع تخصص	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱
جمع	۲۳۵۵۳	۲۴۷۷۰	...	۲۱۱۷۵	۲۱۴۹۶
پزشک عمومی	۱۰۱۰۵	۱۰۷۳۲	...	۸۵۶۸	۸۶۹۳
پزشک متخصص	۹۷۰۰	۱۰۱۱۹	...	۹۰۶۶	۹۲۸۲
داخلی (۲)	۹۲۹	۱۰۶۱	...	۱۰۲۹	۹۳۳
قلب و عروق	۴۰۷	۴۴۲	...	۳۷۲	۳۹۰
عفونی	۲۰۴	۱۹۶	...	۲۰۱	۲۲۲
کودکان (۲)	۱۳۷۱	۱۳۸۱	...	۱۱۹۳	۱۲۱۶
اعصاب و روان	۲۳۹	۳۰۲	...	۳۱۲	۳۲۰
پوست و آمیزشی	۲۲۵	۲۳۱	...	۲۰۵	۲۱۶
جراحی عمومی	۹۷۹	۹۶۷	...	۸۲۱	۸۰۴
ارولوژی	۳۳۴	۳۵۵	...	۱۸۰	۲۲۱
ارتوپدی	۴۶۱	۴۶۹	...	۴۱۰	۴۵۳
مغز و اعصاب	۳۷۶	۴۱۳	...	۲۸۱	۳۰۴
گوش و حلق و بینی	۳۸۹	۴۲۳	...	۳۵۹	۳۶۶
چشم	۵۳۱	۵۵۶	...	۴۷۰	۴۸۱
زنان و زایمان	۱۰۴۸	۱۰۶۰	...	۹۴۸	۹۳۷
جراحی پلاستیک	۶۰	۵۶	...	۴۵	۴۵
بیهوشی	۸۵۳	۹۴۷	...	۹۲۶	۹۳۱
پرتونگاری	۵۶۶	۵۴۴	...	۵۱۱	۴۶۳
آسیب‌شناسی	۲۸۷	۲۵۸	...	۳۴۹	۲۶۸
سایر	۴۴۱	۲۵۸	...	۴۵۴	۵۱۲
دندان پزشکی	۲۱۶۹	۲۲۳۴	...	۱۹۴۵	۱۹۱۱
دام پزشکی	۸۰	۱۰۰	...	۵۲۷	۵۲۷
داروساز	۱۴۹۹	۱۵۸۵	...	۱۰۶۹	۱۰۸۳

اگر بر مجموع پزشکان شاغل در بخش دولتی، پزشکان شاغل در بخش خصوصی را نیز

اضافه نماییم، بی‌تردید فرآیند رشد بهداشت و درمان در کشور از شاخص‌های مناسبی حکایت خواهد کرد.

بر اساس آمارهای موجود جمع پزشکان عمومی و متخصص شاغل در بخش دولتی بیش از دو برابر پزشکانی است که در تمام طول دوره‌ی حاکمیت نظام مشروطه‌ی سلطنتی به مسائل بهداشت و درمان مردم رسیدگی می‌کردند. جدول زیر فرآیند این تحولات را از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۲ تا حدودی در بخش دولتی نشان می‌دهد:

پزشکان شاغل در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بر حسب رشته و نوع تخصص^۱

سال و استان	جمع کل	پزشک عمومی	پزشک متخصص					
			جمع	داخلی	قلب و عروق	عفونی	کودکان	اعصاب و روان
۱۳۶۵	۱۰۹۴۴	۵۳۰۹	۳۹۷۰	۳۹۶	۱۰۰	۴۸	۵۶۹	۱۸۱
۱۳۷۰	۱۷۴۵۳	۸۷۵۴	۵۹۹۵	۵۲۸	۱۷۰	۱۱۲	۷۷۶	۲۳۹
۱۳۷۵	۱۹۵۸۵	۹۰۵۷	۷۴۳۳	۸۰۱	۲۸۸	۱۶۴	۱۰۰۸	۲۲۶
۱۳۷۸	۲۴۷۷۰	۱۰۷۳۲	۱۰۱۱۹	۱۰۶۱	۴۴۲	۱۹۶	۱۳۸۱	۳۰۲
...
۱۳۸۰	۳۱۱۷۵	۸۵۶۸	۹۰۶۶	۱۰۲۹	۳۷۲	۲۰۱	۱۱۹۳	۳۱۲
۱۳۸۱	۳۱۴۹۶	۸۶۹۳	۹۲۸۲	۹۳۳	۳۹۰	۲۲۲	۱۲۱۶	۳۲۰
۱۳۸۲	۳۲۷۵۸	۹۸۱۴	۹۶۶۸	۸۴۰	۴۳۳	۲۵۵	۱۵۵۵	۳۷۰
آذربایجان شرقی	۶۵۶	۲۱۴	۳۵۰	۳۱	۱۸	۷	۶۹	۸
آذربایجان غربی	۷۷۱	۳۶۹	۳۱۸	۱۸	۱۱	۱۰	۴۰	۱۲
اردبیل	۳۰۲	۱۷۱	۱۰۷	۱۲	۴	۴	۱۴	۳
اصفهان	۱۸۴۴	۸۴۱	۷۰۸	۶۴	۳۲	۲۴	۱۰۶	۴۱
ایلام	۲۵۷	۱۷۲	۴۸	۶	۲	۳	۷	۲
بوشهر	۳۹۹	۲۷۰	۹۱	۱۱	۲	۱	۱۳	۴
تهران	۵۰۰۵	۱۵۴۶	۳۵۶۸	۱۹۹	۱۱۳	۶۴	۴۴۹	۱۲۵
چهارمحال و بختیاری	۳۰۴	۱۷۷	۱۰۰	۱۳	۳	۵	۱۷	۴
خراسان	۱۸۳۲	۷۲۴	۸۲۲	۶۷	۳۸	۲۷	۱۱۳	۳۵
خوزستان	۱۱۳۷	۵۸۶	۴۳۵	۳۸	۱۸	۷	۷۷	۱۱
زنجان	۳۵۴	۱۷۶	۱۳۶	۱۱	۷	۴	۲۸	۴
سمنان	۳۷۶	۱۷۴	۱۵۷	۲۲	۷	۳	۲۱	۵
سیستان و بلوچستان	۵۸۸	۳۲۰	۲۰۶	۲۱	۷	۱۲	۳۳	۶
فارس	۱۳۱۲	۵۶۳	۵۵۲	۳۵	۲۹	۸	۹۱	۱۹
قزوین	۳۳۶	۱۶۸	۱۱۹	۱۱	۷	۴	۱۹	۵

قم	۲۴۱	۱۰۸	۹۰	۷	۵	۳	۱۵	۴
کردستان	۶۸۷	۳۸۷	۲۱۹	۲۳	۵	۶	۳۱	۶
کرمان	۵۲۰	۱۱۴	۲۹۹	۲۶	۱۶	۵	۴۳	۱۲
کرمانشاه	۵۶۱	۲۸۴	۲۱۷	۲۶	۱۳	۷	۳۲	۵
کهگیلویه و بویراحمد	۱۹۰	۱۰۲	۶۴	۴	۱	۰	۹	۳
گلستان	۲۷۷	۱۵۸	۹۰	۱۲	۳	۱	۱۵	۲
گیلان	۹۹۶	۴۲۳	۴۳۸	۳۶	۲۳	۷	۶۸	۱۲
لرستان	۴۴۶	۲۳۶	۱۶۹	۱۶	۶	۲	۲۲	۲
مازندران	۱۳۶۶	۵۴۹	۶۲۳	۵۷	۲۷	۱۹	۹۰	۱۸
مرکزی	۴۷۵	۲۴۱	۱۹۱	۲۰	۱۵	۷	۲۵	۶
هرمزگان	۴۱۳	۲۳۹	۱۲۰	۱۴	۳	۳	۲۱	۵
همدان	۶۳۲	۲۹۴	۲۳۵	۱۹	۷	۷	۴۴	۶
یزد	۴۸۱	۲۰۸	۱۸۶	۲۱	۱۰	۵	۴۳	۵

به عنوان نمونه، استان چهارمحال و بختیاری در سال ۱۳۵۶ کلا دارای ۹۷ پزشک بود که از این تعداد ۹۵ پزشک عمومی و تنها ۲ پزشک متخصص در سراسر استان در زمینه‌ی کودکان و رشته‌های جراحی وجود داشت. اما این استان در سال ۱۳۸۲ فقط در وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی دارای ۳۰۴ پزشک بود که از این تعداد ۱۷۷ پزشک عمومی و بقیه پزشکان متخصص در زمینه‌های مختلف بودند. یعنی جمهوری اسلامی در ظرف دو دهه بیش از ۲/۵ برابر تمام دوران نظام شاهنشاهی پزشک برای استان مذکور آموزش داد. استان سیستان و بلوچستان که در سال ۱۳۵۶ فقط تعداد ۱۳۸ پزشک داشت که از این تعداد ۱۳۴ پزشک عمومی بودند، در سال ۱۳۸۲ تعداد ۵۸۸ پزشک فقط در بخش وزارت بهداشت و درمان در این استان خدمت می‌کردند.

استان کردستان در سال ۱۳۵۶ تنها ۱۲۹ پزشک داشت که ۱۲۹ پزشک آن عمومی بودند. اما در سال ۱۳۸۲ این استان از خدمات ۶۸۷ پزشک فقط در بخش وزارت بهداشت و درمان بهره می‌برد. استان ایلام و استان کهگیلویه و بویر احمد که به ترتیب از ۳۶ و ۳۸ پزشک در سال ۱۳۵۶ بهره‌مند بودند در سال ۱۳۸۲ تعداد پزشکان بخش دولتی این دو استان به ۲۵۷ و ۱۹۰ پزشک رسید.

اگر فرآیند این بررسی را متوجه تعداد مؤسسات درمانی شهری و روستایی در سطح کشور

کنیم، خواهیم دید که رژیم مشروطه‌ی سلطنتی در طول ۷۰ سال حاکمیت خود چه ضربات جبران ناپذیری را بر توسعه‌ی انسانی کشور وارد کرد.

بر حسب آمارهای موجود در سال ۱۳۵۶ در کل کشور تعداد ۵۴۷ بیمارستان و ۵۶۰۰۰ تخت بیمارستانی وجود داشت که از این تعداد ۴۰۰ بیمارستان با ظرفیت ۴۶۰۳۶ تخت متعلق به بخش دولتی و تعداد ۱۴۷ بیمارستان با ۹۹۶۴ تخت مربوط به بخش خصوصی بود.

از مراکز موجود، تهران و کرج با ۱۲۷ بیمارستان بیشترین و ایلام و کهگیلویه و بویر احمد به ترتیب با ۱ و ۲ بیمارستان کمترین سهم را به خود اختصاص داده بودند:

بیمارستان‌های کشور بر حسب استان‌ها به تفکیک بخش عمومی و خصوصی در سال ۱۳۵۶

استان	کل کشور		بخش عمومی		بخش خصوصی	
	تعداد بیمارستان	تعداد تخت	تعداد بیمارستان	تعداد تخت	تعداد بیمارستان	تعداد تخت
کل کشور	۵۴۷	۵۶۰۰۰	۴۰۰	۴۶۰۳۶	۱۴۷	۹۹۶۴
تهران بزرگ و کرج	۱۲۷	۲۰۷۸۳	۷۲	۱۵۸۳۵	۵۵	۴۹۴۸
مرکزی	۲۷	۲۲۲۰	۲۳	۱۶۸۵	۴	۵۳۵
گیلان	۲۳	۱۹۸۷	۲۰	۱۹۵۴	۳	۳۳
مازندران	۳۲	۲۴۲۴	۲۳	۱۹۶۵	۹	۴۵۹
آذربایجان شرقی	۲۷	۴۵۴۱	۳۱	۴۲۲۱	۶	۳۲۰
آذربایجان غربی	۱۸	۱۱۳۳	۱۵	۱۰۴۳	۳	۹۰
کرمانشاهان	۱۵	۱۱۱۹	۱۲	۹۹۹	۳	۱۲۰
خوزستان	۴۲	۴۲۴۲	۲۹	۳۴۹۵	۱۳	۷۴۷
فارس	۲۸	۲۸۹۱	۲۳	۲۲۴۴	۱۵	۶۴۷
کرمان	۱۷	۱۱۵۹	۱۴	۸۴۴	۳	۳۱۵
خراسان	۵۴	۴۹۳۱	۴۳	۴۲۰۶	۱۱	۷۲۵
اصفهان	۴۳	۳۷۴۷	۳۰	۳۱۹۴	۱۳	۵۵۳
سیستان و بلوچستان	۸	۵۰۷	۸	۵۰۷	۰	۰
کردستان	۱۰	۴۴۰	۸	۳۹۰	۲	۵۰
هرمزگان	۵	۲۲۵	۴	۱۸۵	۱	۴۰
همدان	۱۱	۹۷۷	۹	۸۵۲	۲	۱۲۵
لرستان	۷	۴۷۷	۵	۴۰۰	۲	۷۷
یزد	۸	۷۷۴	۶	۵۹۴	۲	۱۸۰
بوشهر	۳	۱۹۰	۳	۱۹۰	۰	۰
چهارمحال و بختیاری	۳	۲۵۸	۳	۲۵۸	۰	۰
زنجان	۴	۲۳۵	۴	۲۳۵	۰	۰

۱. مأخذ: سازمان نظام پزشکی، به نقل از:

ایلام	۱	۶۰	۱	۶۰	۰
سمنان	۱۲	۵۹۵	۱۲	۵۹۵	۰
بویراحمد و کهگیلویه	۲	۸۵	۲	۸۵	۰

در دهه‌ی اول انقلاب علی‌رغم فشارهای اقتصادی و شرایط جنگی تعداد بیمارستان‌های ایران در سال ۱۳۶۷ به ۶۰۹ بیمارستان و ۷۷۸۰۴ تخت افزایش پیدا می‌کند و این رقم در سال ۱۳۸۱ به ۷۳۰ بیمارستان و ۱۱۰۷۹۷ تخت می‌رسد. جمهوری اسلامی ظرف دو دهه به میزان تمام دوران رژیم شاهنشاهی تخت بیمارستانی برای مداوای بیماران به سیستم درمانی کشور می‌افزاید.

تعداد مؤسسات درمانی کشور و تعداد تخت بر حسب سازمان اداره کننده ۶۷-۱۳۶۴

سال	جمع		وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی		خصوصی		سایر	
	مؤسسه	تخت	مؤسسه	تخت	مؤسسه	تخت	مؤسسه	تخت
۱۳۶۴	۵۸۶	۷۰۱۸۴	۴۲۵	۵۵۱۶۳	۱۱۴	۸۷۵۵	۴۷	۶۲۶۶
۱۳۶۵	۵۹۲	۷۲۳۲۱	۴۲۶	۵۶۸۱۱	۱۱۷	۸۴۸۹	۴۹	۷۰۲۱
۱۳۶۶	۵۹۹	۷۴۳۶۵	۴۳۶	۵۸۲۷۳	۱۱۲	۸۲۵۴	۵۱	۷۸۳۸
۱۳۶۷	۶۰۹	۷۷۸۰۴	۴۴۵	۶۱۳۹۴	۱۱۰	۷۹۱۲	۵۴	۸۴۹۸

تعداد مؤسسات درمانی فعال و تخت‌های موجود در آنها بر حسب وضعیت حقوقی^۲

سال	جمع		وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	
	مؤسسه	تخت	مؤسسه	تخت
۱۳۷۷	۶۹۴	۹۸۶۶۹	۴۸۰	۷۰۸۶۳
۱۳۷۸	۷۰۵	۱۰۳۳۹۴	۴۸۳	۷۴۵۰۶
۱۳۷۹	۷۱۳	۱۰۵۷۱۶	۴۸۴	۷۵۵۴۹
۱۳۸۰	۷۱۷	۱۰۹۱۵۲	۴۷۹	۷۶۱۶۷
۱۳۸۱	۷۳۰	۱۱۰۷۹۷	۴۸۸	۷۷۳۰۰

۱. مشخصات ۶ بیمارستان در استان تهران از آمار سال ۱۳۶۶ استفاده شده است. مأخذ: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دفتر بررسی و تحلیل اطلاعات آماری. به نقل از:

<http://amar.sci.org.ir/Detail.aspx?Ln=F&no=214791&S=TP>

۲. به نقل از:

<http://amar.sci.org.ir/Detail.aspx?Ln=F&no=204302&S=TP>

سال	خصوصی		سایر	
	مؤسسه	تخت	مؤسسه	تخت
۱۳۷۷	۱۱۳	۱۰۰۷۳	۱۰۱	۱۷۷۳۳
۱۳۷۸	۱۲۰	۱۰۳۸۴	۱۰۲	۱۸۵۰۴
۱۳۷۹	۱۲۳	۱۱۳۳۸	۱۰۶	۱۸۸۲۹
۱۳۸۰	۱۱۹	۱۱۱۹۱	۱۱۹	۲۱۷۹۴
۱۳۸۱	۱۲۰	۱۱۳۰۱	۱۲۲	۲۲۱۹۶

تعداد مؤسسات درمانی فعال بر حسب وضعیت حقوقی و تخت‌های موجود در آن

سال و استان	جمع		وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی		خصوصی		سایر ^۱	
	مؤسسه	تخت	مؤسسه	تخت	مؤسسه	تخت	مؤسسه	تخت
۱۳۶۵	۵۹۲	۷۲۳۳۱	۴۲۶	۵۶۸۱۱	۱۱۷	۸۴۸۹	۴۹	۷۰۲۱
۱۳۷۰	۶۳۹	۸۵۸۱۰	۴۵۴	۶۴۰۲۴	۱۱۸	۹۰۳۸	۶۷	۱۲۷۴۸
۱۳۷۵	۶۸۵	۹۸۵۴۹	۴۷۹	۷۲۰۸۹	۱۱۳	۹۵۵۰	۹۳	۱۶۹۱۰
۱۳۷۸	۷۰۵	۱۰۳۳۹۴	۴۸۳	۷۴۵۰۶	۱۲۰	۱۰۳۸۴	۱۰۲	۱۸۵۰۴
۱۳۷۹	۷۱۳	۱۰۵۷۱۶	۴۸۴	۷۵۵۴۹	۱۲۳	۱۱۳۳۸	۱۰۶	۱۸۸۲۹
۱۳۸۰	۷۱۷	۱۰۹۱۵۲	۴۷۹	۷۶۱۶۷	۱۱۹	۱۱۱۹۱	۱۱۹	۲۱۷۹۴
۱۳۸۱	۷۳۰	۱۱۰۷۹۷	۴۸۸	۷۷۳۰۰	۱۲۰	۱۱۳۰۱	۱۲۲	۲۲۱۹۶
۱۳۸۲	۷۳۳	۱۱۱۵۵۲	۴۹۰	۷۷۷۷۶	۱۲۰	۱۱۳۰۵	۱۲۳	۲۲۴۷۱

۴۷۰	۳	۳۶۳	۴	۴۷۳۶	۲۷	۵۵۶۹	۳۴	آذربایجان شرقی
۲۵۶	۱	۳۲۵	۳	۲۹۵۴	۲۰	۳۵۳۵	۲۴	آذربایجان غربی
۳۱۰	۳	۱۰۰	۱	۹۴۷	۸	۱۳۵۷	۱۲	اردبیل
۲۴۱۶	۹	۴۲۵	۶	۵۳۸۶	۴۰	۸۲۲۷	۵۵	اصفهان
۰	۰	۳۲	۱	۵۴۹	۶	۵۸۱	۷	ایلام
۳۷۶	۴	۰	۰	۹۷۳	۷	۱۳۴۹	۱۱	پوشهر
۸۴۹۶	۳۶	۵۵۸۸	۴۶	۱۵۱۷۴	۵۸	۲۹۲۵۸	۱۴۰	تهران
۱۹۲	۱	۰	۰	۱۱۳۲	۷	۱۳۲۴	۸	چهارمحال و بختیاری
۲۲۲۶	۱۵	۷۵۰	۸	۷۲۲۹	۴۲	۱۰۲۰۵	۶۵	خراسان

۱. شامل مؤسسات درمانی وابسته به سازمان تأمین اجتماعی، امور خیریه، بانکها و... می‌باشد. مأخذ - وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی. - (ر.پ). وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی. دفتر توسعه و هماهنگی نظام آماری. به نقل از:

۱۵۹۱	۱۰	۴۵۶	۵	۴۸۴۲	۲۶	۶۸۸۹	۴۱	خوزستان
۱۰۰	۱	۰	۰	۱۰۴۲	۶	۱۱۴۲	۷	زنجان
۲۵۶	۲	۰	۰	۹۷۶	۹	۱۲۳۲	۱۱	سمنان
۲۲۴	۱	۰	۰	۱۸۰۶	۱۴	۲۰۳۰	۱۵	سیستان و بلوچستان
۴۰۰	۲	۸۰۶	۱۲	۴۸۴۸	۳۶	۶۰۵۴	۵۰	فارس
۳۵۲	۲	۹۷	۳	۸۴۰	۴	۱۲۸۹	۸	قزوین
۸۲۰	۴	۰	۰	۸۵۲	۵	۱۶۷۳	۹	قم
۲۱۰	۲	۰	۰	۱۸۳۵	۱۰	۲۰۴۵	۱۲	کردستان
۴۵۶	۳	۲۰۰	۳	۲۸۸۹	۱۷	۳۵۴۵	۲۳	کرمان
۲۸۰	۲	۲۰۰	۲	۲۲۸۸	۱۹	۲۷۶۸	۲۳	کرمانشاه
۳۰	۱	۰	۰	۵۴۲	۵	۵۷۳	۶	کهگیلویه و بویراحمد
۲۰۰	۱	۲۷۲	۴	۱۱۷۱	۱۲	۱۶۴۴	۱۷	گلستان
۲۰۰	۱	۴۷۰	۶	۳۰۰۸	۲۰	۳۶۷۸	۲۷	گیلان
۲۸۸	۲	۱۱۰	۲	۱۵۸۳	۱۵	۱۹۸۱	۱۹	لرستان
۳۵۱	۳	۴۹۶	۹	۳۶۸۸	۲۷	۴۵۳۵	۳۹	مازندران
۳۵۶	۳	۲۵۰	۱	۱۲۹۴	۱۱	۱۹۰۰	۱۵	مرکزی
۴۱۶	۴	۱۱۴	۲	۱۱۰۵	۹	۱۶۳۵	۱۵	هرمزگان
۶۴۴	۴	۱۰۰	۱	۲۱۱۲	۱۳	۲۸۵۶	۱۸	همدان
۵۵۵	۳	۱۵۰	۲	۱۹۷۳	۱۷	۲۶۷۸	۲۲	یزد

اگر به جمع مراکز بیمارستانی مذکور، مراکز بهداشتی و درمانی را نیز اضافه کنیم، میزان اهتمام نظام جمهوری اسلامی به امر بهداشت و درمان علی‌الخصوص در روستاها و نقاط محروم کشور مشخص خواهد شد.

تعداد و مشخصات مراکز بهداشتی و درمانی کشور ۶۷-۱۳۶۴^۱

سال	موقعیت جغرافیایی			وضعیت حقوقی	
	جمع	شهری	روستایی	وابسته به وزارت بهداشت و...	خصوصی
۱۳۶۴	۳۷۶۴	۱۸۴۲	۱۹۲۲	۳۳۲۱	۳۱۰
۱۳۶۵	۳۹۹۶	۲۰۴۷	۱۹۴۹	۳۵۷۰	۱۹۲
۱۳۶۶	۴۱۵۳	۲۱۵۸	۱۹۹۵	۳۷۲۳	۱۹۲
۱۳۶۷	۴۲۴۶	۲۳۰۱	۱۹۴۵	۳۸۵۳	۱۵۹

تعداد و مشخصات مراکز بهداشتی و درمانی کشور به تفکیک استان ۱۳۴۷

استان	موقعیت جغرافیایی			وضعیت حقوقی		
	جمع	شهری	روستایی	وابسته به وزارت بهداشت و... ^۱	خصوصی	سایر
کل کشور	۴۲۴۶	۲۳۰۱	۱۹۴۵	۳۸۵۳	۱۵۹	۲۳۴
تهران	۵۲۱	۴۴۷	۷۴	۳۴۴	۱۱۵	۶۲
مرکزی	۱۱۱	۳۶	۷۵	۱۱۰	۱	۰
گیلان	۱۹۳	۱۰۸	۸۵	۱۹۱	۰	۲
مازندران	۲۸۴	۱۵۹	۱۲۵	۲۷۴	۳	۷
آذربایجان شرقی	۲۸۱	۱۶۲	۱۱۹	۲۷۳	۷	۱
آذربایجان غربی	۱۶۹	۶۹	۱۰۰	۱۶۹	۰	۰
باختران	۱۱۴	۶۷	۴۷	۱۰۴	۰	۱۰
خوزستان	۱۷۸	۱۱۳	۶۵	۱۵۵	۲	۲۱
فارس	۲۸۲	۱۱۳	۱۶۹	۲۷۲	۳	۷
کرمان	۲۰۴	۷۶	۱۲۸	۱۸۶	۲	۱۶
خراسان	۳۸۸	۲۰۵	۱۸۳	۳۲۸	۱۲	۴۸
اصفهان	۳۵۲	۲۲۲	۱۳۰	۳۲۷	۸	۱۷
سیستان و بلوچستان	۱۲۸	۵۰	۷۸	۱۲۳	۰	۵
کردستان	۱۰۵	۴۷	۵۸	۱۰۵	۰	۰
همدان	۱۲۳	۶۳	۷۰	۱۲۶	۱	۶
چهارمحال و بختیاری	۸۳	۳۴	۴۹	۸۳	۰	۰
لرستان	۱۰۵	۵۷	۴۸	۱۰۳	۱	۱
ایلام	۶۹	۲۹	۴۰	۶۹	۰	۰
کهگیلویه و بویر احمد	۶۲	۲۱	۴۱	۵۶	۰	۶
بوشهر	۶۴	۳۳	۳۱	۶۴	۰	۰
زنجان	۱۱۵	۴۶	۶۹	۱۱۵	۰	۰
سمنان	۶۴	۳۴	۳۰	۶۱	۰	۳
یزد	۱۰۴	۶۵	۳۹	۹۸	۲	۴
هرمزگان	۱۲۷	۴۵	۹۲	۱۱۷	۲	۱۸

مراکز بهداشتی و درمانی بر حسب وضعیت جغرافیایی، حقوقی و اداری^۱

سال	وضعیت جغرافیایی			وضعیت حقوقی		
	جمع	شهری	روستایی	وابسته به وزارت بهداشت و درمان	خصوصی	سایر
۱۳۷۷	۶۲۱۸	۳۹۲۸	۲۲۹۰	۵۲۵۴	۲۴۸	۷۱۶
۱۳۷۸	۶۳۸۹	۴۰۷۹	۲۳۱۰	۵۲۵۲	۳۳۶	۸۰۱
۱۳۷۹	۶۹۸۱	۴۵۸۴	۲۳۹۷	۵۶۲۷	۴۰۱	۹۵۳
۱۳۸۰	۷۰۸۹	۴۷۴۲	۲۳۳۷	۵۶۷۵	۴۵۲	۹۶۲
۱۳۸۱	۷۳۴۵	۴۹۵۷	۲۳۸۸	۵۸۲۳	۵۴۶	۹۷۶

سال	نحوه‌ی اداره		زمان کار	
	مستقل	غیر مستقل	روزانه	شبانه روزی
۱۳۷۷	۵۳۷۹	۸۳۹	۴۸۹۵	۱۳۲۳
۱۳۷۸	۵۶۲۱	۷۶۸	۵۲۱۶	۱۱۷۳
۱۳۷۹	۶۰۴۲	۹۳۹	۵۷۰۲	۱۳۷۹
۱۳۸۰	۶۰۶۶	۱۰۲۳	۵۷۲۵	۱۳۶۴
۱۳۸۱	۶۲۵۴	۱۰۹۱	۵۹۰۷	۱۴۳۸

آنچه گفته شد بخشی از تحولاتی بود که در حوزه‌ی توسعه‌ی انسانی در بخش بهداشت و افزایش امید به زندگی در جمهوری اسلامی به وقوع پیوست و ما تلاش کردیم که از چشم‌انداز آمارهای رسمی، تفاوت این دگرگونی‌ها را در دوران هفتاد ساله‌ی نظام مشروطه‌ی سلطنتی و دوران ۲۵ ساله‌ی نظام جمهوری اسلامی نشان دهیم.

دستاوردهای انقلاب اسلامی برای ملت ایران در نسبت با کارهایی که در گذشته انجام شده است به مراتب بیش از آن چیزی است که بتوان در قالب آمار و ارقام نشان داد. نگارنده تلاش خواهد کرد در پاسخ به پرسش انقلاب اسلامی برای ایران چه کرد؟ به وجوه دیگری از توسعه‌ی انسانی در ایران بعد از انقلاب، در مقالات آتی بپردازد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی